

روش ۱

خواندن اجمالی^۱

پیش از روبه‌رو شدن با یک موضوع، مثل یک شخص یا یک

کتاب، مایل هستید چه چیزهایی درباره آن بدانید؟

فکر می‌کنید، به هنگام انجام یک کار، لازم است از انجام آن کار

هدفی داشته باشید؟ اگر فکر می‌کنید که برای هر کاری داشتن

یک هدف ضروری است، چگونه هدف خود را معین می‌کنید؟

هدف

هدف از خواندن اجمالی دست یافتن به نکات و مطالب مهم کتاب و کشف ساختمان مواد و مطالب در یک زمان کوتاه و با سرعت زیاد است.

سرعت تقریبی

سرعت تقریب خواندن اجمالی ۱۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ کلمه در دقیقه است.

فواید

فواید خواندن اجمالی عبارت‌اند از:

- الف- کارآمدی بیشتر، از راه تخمین زدن اهمیت مطالب و طرح‌ریزی یک روش مناسب مطالعه؛
- ب- بودجه‌بندی واقعی‌تر از زمان، از طریق کشف حجم و دشواری مطالب؛
- پ- افزایش میزان درک مطالب و نگهداری آنها در حافظه از راه کسب یک نظر اجمالی از کل مطالب پیش از خواندن جزئیات؛
- ت- افزایش میزان دقت و تمرکز حواس از طریق برانگیختن میزان علاقه.

روش

روش خواندن اجمالی مبتنی است بر یک نمونه‌گیری سریع از نکات اساسی و صرف‌نظر کردن از جزئیات. در این روش مطالعه، در جستجوی نکات کلیدی دربارهٔ مواد و ساختمان مطالب و نظر و سبک مؤلف باشید. همچنین، برای افزایش میزان علاقهٔ خود نسبت به مطالب به طرح سؤالاتی در مورد مطالب خواندنی بپردازید.

برای خواندن یک کتاب غیرداستانی با روش اجمالی نمونه‌گیری‌های زیر را انجام دهید:

عنوان: عنوان کتاب با عنوان کتابهای دیگر در این زمینه و عنوان سایر کتابهای همین مؤلف چه فرقی دارد؟
مؤلف: مؤلف کیست؟ تجربیات و سابقه کار او چیست؟ وی صلاحیت دارد تا درباره عنوانی که انتخاب کرده است قلم بزند؟

تاریخ انتشار: کتاب در چه تاریخی منتشر شده است؟ کهنه است یا تازه؟

مقدمه، پیشگفتار، معرفی: چرا مؤلف این کتاب را نوشته است؟ برای چه کسانی آن را نوشته است؟ آیا او در نوشتن کتاب تعصب خاصی را دنبال کرده است؟

فهرست مطالب: سازمان مطالب کتاب چگونه است؟ آیا بعضی فصول کتاب از فصول دیگر مهم تر به نظر می رسند؟ آیا مطالب و فصول کتاب به دو سه بخش مهم تر تقسیم بندی شده اند؟ اگر نه، آیا شما می توانید این مطالب را به دو سه بخش عمده تقسیم کنید؟

ساختمان فصول: آیا در داخل هر فصل عنوان های جداگانه ای وجود دارند؟ در پایان هر فصل خلاصه فصل یا سؤالات مربوط به فصل یافت می شوند؟

صفحات و تصاویر انتخابی: مؤلف چه سبکی را به کار برده است؟ برای این منظور، از هر پنجاه تا صد صفحه یک یا دو صفحه را به طور تصادفی انتخاب کنید و آنها را از نظر بگذرانید. جمله اول چند پاراگراف را بخوانید و به تصاویر نظری بیندازید.

خلاصه ها و نتیجه گیری ها: آیا کتاب یک فصل نتیجه گیری دارد؟ آیا فصلها دارای خلاصه یا نتیجه گیری هستند؟ اگر کتاب یک فصل نتیجه گیری دارد، ابتدا آن را بخوانید. به احتمال زیاد این فصل محتوای کتاب را با دقت بیش تری معرفی می کند.

پیوستها، فهرست اصطلاحات، مأخذ و مراجع: کتاب شامل کدام یک از اینهاست؟ کدام یک از اینها به آشنایی بیشتر شما نسبت به کتاب کمک می کند؟

برای خواندن یک فصل با روش اجمالی نمونه گیریهای زیر را انجام دهید:

عنوان: عنوان فصل چه رابطه ای با فصلهای قبلی و بعدی دارد؟

خلاصه فصل و پاراگرافهای مقدمه: آیا اینها مفاهیم اساسی را دربرمی گیرند؟ خلاصه فصل معمولاً محتوای فصل را با دقت بیش تری معرفی می کند. ابتدا آن را بخوانید.

عنوانهای کوچک، جملات موضوعی، حروف کج، حروف درشت: می توان از اینها مطالب کلی و اساسی فصل را بیرون کشید؟

شکلها، نقشه‌ها، جدولها: آیا اینها در روشن ساختن مطالب اصلی، نکات مهم، و جزئیات کمکی می‌کنند؟

توجهات لازم به هنگام خواندن یک کتاب داستانی با روش اجمالی

در خواندن یک نوشته ادبی یا یک اثر هنری به طور اجمالی، دو محدودیت وجود دارد. اول اینکه، چون خواندن پایان نوشته‌های ادبی و آثار هنری اغلب درک خواننده را از مطلب کم می‌کند و لطف آن را از بین می‌برد، لازم است در این گونه آثار تنها به نمونه‌گیری از قسمتهای اول اثر پردازید. دوم اینکه، با خواندن اجمالی یک اثر هنری یا یک نوشته ادبی نمی‌توان به مفهوم اصلی آن دست یافت.

۲. برای کسب اطلاع در مورد اثر، در صورت موجود بودن، اطلاعات پشت جلد کتاب را بخوانید.

۳. می‌توانید، با بررسی سریع چند صفحه یا چند فصل اول کتاب، خود را با مطالب کتاب آشنا سازید، و نسبت به آن بیشتر علاقه‌مند شوید. همچنین سعی کنید تا نویسنده کتاب را بیشتر بشناسید. درباره دوره‌ای که نویسنده این اثر را نوشته چه اطلاعاتی دارید؟

۴. پس از مطالعه فصل اول بازگردید و صفحه اول را دوباره بخوانید. جملات و پاراگرافهای نخستین درباره جهت‌گیری، منظور، و مفهوم نویسنده چه اطلاعاتی به دست می‌دهند؟ فصل اول کتاب معمولاً دربرگیرنده مضمونهای اصلی کتاب است.

۵. بعد از اینکه از خواندن یک اثر فارغ شدید، می‌توانید فصل نخست را بار دیگر بخوانید تا یک نظر تازه در مورد اثر کسب کنید. به این کار بررسی مجدد می‌گویند.

روشهای مطالعه مورد بحث در این کتاب براساس ترکیبهای به‌خصوصی از فنون مختلف مطالعه چون خواندن اجمالی، مطالعه انتخابی، سؤال کردن، و غیره مبتنی هستند. این فنون مختلف معمولاً اجزای بیش از یک روش مطالعه را تشکیل می‌دهند. فهرست مؤثرترین این فنون که برای خواندن اجمالی مفید هستند در زیر می‌آیند.

فنون تشکیل‌دهنده روش خواندن اجمالی

۱. سازمان‌بندی اولیه: پیش از مطالعه کتاب به طور کامل، به کشف قسمتهای اصلی کتاب که براساس آن مطالب کتاب سازمان یافته‌اند، و همچنین به کشف اندیشه‌های مهم کتاب پردازید. این کار مستلزم اندیشیدن یا بر روی کاغذ آوردن یک جمله کامل درباره عنوان و مقدمه و خلاصه هر فصل کتاب است، به‌صورتی که این جمله مبین مفهوم اصلی آن فصل باشد.

۲. **تعیین هدف مطالعه:** معین کنید که هدف شما از مطالعه کتاب چیست و با چه دقتی می‌خواهید آن را بخوانید. برای کسب یک برداشت کلی کتاب را می‌خوانید، یا به دنبال جزئیات هم هستید؟ برای امتحان مطالعه می‌کنید، یا برای رفع نیازهای شغلی، یا برای سرگرمی؟

با مشخص کردن هدف مطالعه خود، بهتر می‌توانید روش مناسب مطالعه را برای رسیدن به آن هدف انتخاب کنید. اگر برای کسب اطلاعات کامل و جامع کتاب را می‌خوانید، سرعت شما باید کمتر از موقعی باشد که به دنبال کسب یک دید کلی از کتاب هستید، یا برای سرگرمی آن را مطالعه می‌کنید. اگر منظورتان یک آشنایی سطحی با کتاب است، استفاده از روش خواندن اجمالی مناسب‌ترین روش است.

۳. **برآورد دشواری مطلب و زمان مطالعه:** مقدار زمانی را که برای مطالعه کتاب در اختیار دارید و میزان دشواری کتاب را تخمین بزنید. اگر در نظر دارید از خواندن اجمالی پا فراتر نهدید، در بودجه‌بندی زمان خود دقت کنید. یک تخمین واقع‌بینانه از زمانی که در اختیار دارید، با توجه به هدف شما از مطالعه کتاب و میزان دشواری مطلب، شما را در طرح یک برنامه مناسب و کنترل صحیح روش مطالعه کمک می‌کند.

۴. **طرح سؤال:** حال که درباره کتاب یا یک فصل به‌خصوص اطلاعاتی به دست آوردید، معین کنید که چه اطلاعاتی کم دارید. آیا باید به مطالعه ادامه بدهید؟ اگر جواب این سؤال مثبت است، انتظار دارید از یک خواندن عمیق چه چیزی عایدتان شود؟ چگونه مؤلف از مقدمه به نتیجه رسیده است؟ مراحل اساسی کتاب چه هستند؟ آیا این مراحل به طور منطقی به هم مربوط هستند؟ هدف مؤلف چیست؟ آیا مطالب کتاب با آنچه شما قبلاً درباره موضوع می‌دانستید موافقت یا مغایرت دارد؟

سؤالات شما درباره کتاب می‌توانند کلی یا کاملاً مشخص باشند. طرح این‌گونه سؤالات، از طریق ایجاد کنجکاوی، تمرکز حواس و دقت شما را افزایش می‌دهد. رضایت حاصل از پاسخگویی به سؤالات، مدت نگهداری مطالب را در حافظه طولانی می‌کند. طرح سؤال، به هنگام مطالعه یک کتاب، خواننده منفعل را به یک خواننده فعال مبدل می‌سازد. از طریق طرح سؤالات، یک گفت و شنود بین شما و مؤلف کتاب برقرار می‌شود که کسب لذت شما را از مطالعه کتاب افزایش می‌دهد. سؤالات اغلب به هنگام مطالعه یا پس از پایان مطالعه به ذهن می‌رسند. ولی شما سعی کنید سؤالات خود را پیش از مطالعه و به هنگام خواندن اجمالی کتاب شروع کنید.

تمرینات

۱. کتاب حاضر را به طور اجمالی بخوانید.

روش خواندن اجمالی خود را ارزشیابی کنید.

الف- کتاب درباره چیست- موضوع اصلی چیست؟

ب- از قسمتهای اصلی کتاب یا نکات اصلی آن بااطلاع شدید؟

پ- متوجه "کاربرد در موضوعات" شدید؟ این روش با برنامه فعلی شما جور درمی آید؟

ت- تعدادی از سؤالاتی را که شما درباره این کتاب می توانید جواب دهید کدامها هستند؟

ث- این کتاب تا چه اندازه برای شما مفید است؟ تا چه اندازه برای شما دشوار است؟ چه مدت لازم

است تا آنچه را می خواهید از آن به دست بیاورید؟

۲. سه کتاب غیرداستانی را که از نظر دشواری و میزان علاقه شما نسبت به آنها با هم فرق دارند انتخاب کنید و

آنها را با روش خواندن اجمالی بخوانید. فراموش نکنید که باید با سرعت جلو بروید. برای کسب عادت در این

کار، سعی کنید سه تا پنج دقیقه -حداکثر پنج دقیقه- برای هر کتاب وقت صرف کنید.

مواظب باشید به جزئیات توجه نکنید.

این روش را با هر چند کتاب که می توانید برای مدت چند روز یا چند هفته تمرین کنید، تا با کاربرد این

روش آشنا شوید.

۳. تمرین فوق را با فصول، مقالات، یا سایر مطالب خواندنی کوتاه انجام دهید.

۴. همین تمرین را با تعداد زیادی نامه، تعداد زیادی مجله، یا توده ای از هرگونه مطالب خواندنی یا مطلب

تحقیقی که در دسترس دارید انجام دهید.

خلاصه

صرف نظر از اینکه یک کتاب ۶۰۰ صفحه ای را مطالعه می کنید، یا یک فصل از یک کتاب، یا یک مقاله از یک

روزنامه، یا چند نامه، یا تعدادی یادداشت، هدف از خواندن اجمالی این است که در یک زمان بسیار کوتاه،

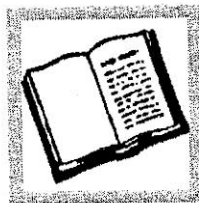
از چند ثانیه گرفته تا چند دقیقه، یک آشنایی کلی با مطالب به دست آورید. شما در این زمان کوتاه می-
توانید دست کم به چهار هدف زیر برسید:

۱. پس از ملاحظه ابتدا و انتهای مطالب و گرفتن چندین نمونه از سراسر کتاب، می توانید یک آگاهی کلی از مطالب و سازمان کتاب کسب کنید و قادر باشید موضوع اصلی کتاب را بیان کنید و دو تا پنج نکته مهم از کتاب را ذکر نمایید.

۲. می توانید هدف خود را از خواندن کتاب مشخص سازید.

۳. می توانید به میزان دشواری مطالب کتاب آگاه شوید و برآورد کنید که چه مقدار وقت لازم خواهید داشت تا آنچه را می خواهید از کتاب به دست آورید.

۴. می توانید پرسیدن سؤالها را آغاز کنید.



روش ۴

دقیق خوانی^۱

چگونه مطالب مهم کتابی را که می خوانید تشخیص

می دهید؟ چگونه متوجه بیانات مهم یک کتاب می شوید؟

به چه نحوی تصمیم می گیرید؟ چرا؟

چه وقت می گوئید که چیزی را آموخته اید؟

هدف

هدف دقیق خوانی درک کامل مطالب خوانده شده و نگهداری آنها به طرز منظم و منطقی در حافظه است، به طریقی که یادآوری آنها برای استفاده‌های بعدی میسر باشد.

سرعت تقریبی

سرعت تقریبی دقیق خوانی ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ کلمه در دقیقه است.

فواید

فواید دقیق خوانی به قرار زیرند:

الف- فهم بیشتر مطالب از طریق درک ساختمان مفاهیم و معانی؛

ب- نگهداری بیشتر مطالب در حافظه از طریق یک روش ساده مرور کردن و یادگیری جزئیات و ربط دادن آنها با اصول و مفاهیم؛

پ- افزایش توانایی خواننده در پاسخ دادن به سؤالات تشریحی، زیرا در این روش مطالعه مفاهیم به وسیله خواننده سازمان می‌یابند و به زبان وی بیان می‌شوند و صرفاً به حافظه سپرده نمی‌شوند.

ت- افزایش کسب لذت در نتیجه ایجاد اطمینان بیشتر حاصل از درک عمیق تر مطالب.

روش

فنون اساسی روش دقیق‌خوانی عبارت‌اند از: سازمان دادن، حاشیه‌نویسی و علامت‌گذاری، و خلاصه کردن. در سازمان دادن، خواننده به دنبال فکری مؤلف می‌گردد و از رابطه بین مطالب آگاه می‌شود. با حاشیه‌نویسی و علامت‌گذاری، خواننده صفحات را علامت‌گذاری می‌کند تا ساختمان مطالب را روشن‌تر سازد. در خلاصه کردن، خواننده مطالب را مرور می‌کند و درک خود را از مطالب روشن‌تر و بهتر می‌سازد.

فنون مربوط به روش دقیق‌خوانی

۱. سازمان دادن: سازمان دادن مستلزم تعیین سطوح مختلف مطالب از نظر معنی است، یعنی تعیین تز اصلی، نکات اصلی، جزئیات مطلب، و همچنین تشخیص رابطه بین این سطوح مختلف و اجزای هر سطح. استفاده از سازمان دادن منتج به فهمیدن بهتر مطالب و یادآوری سریع‌تر آنها می‌شود، زیرا از طریق سازمان دادن یادگیرنده نکات اصلی و جزئیات را به عنوان اجزای یک کل یاد می‌گیرد، نه به صورت اطلاعات پراکنده.

الف- تز اصلی: در یک کتاب، یا بخش یا فصلی از یک کتاب، تز اصلی بحث مؤلف، یک اندیشه کلی است که تمامی مطالب و نکات کتاب را دربرمی‌گیرد. تز اصلی منعکس‌کننده اندیشه و مقصود اصلی نویسنده است. معمولاً شناسایی این تز از طریق یادگیری نکات اصلی بهتر میسر می‌شود. بیان صحیح تز اصلی یک کتاب یا یک بخش از یک کتاب مستلزم یک یا دو جمله است، نه یک کلمه که فقط نشان‌دهنده یک عنوان است.

ب- نکات اصلی: نکات اصلی اندیشه‌های مهم یا گروه‌هایی از معنی هستند که بر روی هم تز اصلی را تشکیل می‌دهند.

پ- جزئیات: جزئیات یا اطلاعات جزئی عبارت‌اند از: اطلاعات واقعی، تصاویر، و مثالهایی که حامی و توضیح‌دهنده نکات اصلی هستند.

برای مثال در یک فصل:

الف- برای پیدا کردن نکات اصلی، دقت کنید که جملات موضوعی^۱ یا جملات اصلی هر پاراگراف چگونه پاراگرافها را به هم متصل می‌سازند. وقتی پاراگرافی را می‌خوانید که یک موضوع تازه را مورد بحث قرار می‌دهد، معمولاً یک نکته اصلی جدید معرفی می‌شود. حروفی که درشت و سیاه‌تر از متن چاپ شده‌اند و عنوانهای فرعی اغلب حاکی از این تغییرات هستند.

ب- تز اصلی، معمولاً به وسیله مؤلف به طور مستقیم بیان نمی‌شود، ولی ترکیبی از عناصر اساسی مربوط به نکات اصلی به کمک هم این تز را روشن می‌کنند.

پ- هر نوع مطلبی شامل تعدادی جزئیات است. تعیین اینکه خواننده چه مقدار به جزئیات پردازد برحسب هدف خواننده از مطالعه و نیازهای علمی او فرق می‌کند. در بسیاری موارد، اهمیت این جزئیات فقط در کمکی که آنها به روشن شدن نکات اصلی برای درک تز اصلی می‌کنند نهفته است.

این سطوح مختلف دارای اهمیت نسبی هستند. برای مثال، در یک کتاب تز یک فصل ممکن است به عنوان یک نکته اصلی یا یک مطلب جزئی برای تز اصلی تمامی کتاب به حساب آید.

شناخت الگوی ساختمانی مطالب یک کتاب در ضمن خواندن اجمالی، یعنی وقتی که خواننده در جستجوی تز اصلی و نکات اصلی است، میسر می‌شود. پس از این بررسی اجمالی، روش دقیق‌خوانی درک کامل ساختمان مطلب را فراهم می‌سازد.

بعضی مطالب خیلی خوب سازمان یافته‌اند. در این مطالب تز اصلی به‌طور آشکار بیان شده است، نکات اصلی به‌خوبی توضیح داده شده‌اند، و تمام جزئیات نکات اصلی مطلب را روشن کرده‌اند. در بعضی موارد، فنون چاپ (نوشتن حروف با خط سیاه یا درشت، حروف کج، و شماره‌گذاری) برای آشکار ساختن مطالب کمک می‌کنند. در غیر این صورت، شما (خواننده) مجبور هستید کوشش کنید تا ساختمان مطالب را کشف کنید، یا حتی خود برای مطالب نوعی ساختمان به‌وجود آورید.

^۱ . topic sentences. جملات موضوعی جملاتی هستند که مفهوم کلی یک پاراگراف را یک‌جا خلاصه می‌کنند، و اغلب در اول پاراگراف و گاه در آخر آن می‌آیند-م.

هرچه این ساختمان ساده‌تر و روشن‌تر باشد، یادگیری و یادآوری شما بهتر خواهد بود. تحقیقات نشان داده‌اند که ذهن آدمی نمی‌تواند در هر سطحی با بیش از سه تا پنج عامل درگیر شود. ساده کردن مطالب از طریق تقسیم‌بندی آنها به سه، چهار، یا پنج قسمت یا نکته اصلی درک مطالب و یادآوری آنها را آسان‌تر می‌سازد.

برای ایجاد یک ساختمان ذهنی، مفید است که رابطه میان تز اصلی، نکات اصلی، و جزئیات را به صورت یک شکل یا یک طرح مجسم کنید. برای مثال، مطالب را می‌توان به صورت یک طرح خلاصه‌ای، یک طرح سازمانی، یک طرح هرمی، یک طرح شعاعی، یک طرح سلولی، یا یک طرح همپوشی تهیه کرد. علاوه بر اینها ممکن است، به هنگام تمرین، تدابیر دیگری برای ایجاد ساختمان ذهنی کشف کنید.

طرح خلاصه‌ای

طرح خلاصه‌ای یک سازمان یک‌طرفه را نشان می‌دهد که جنبه نزولی دارد. این روش به بهترین وجهی پیشرفت زمانی یا مرحله‌ای را نشان می‌دهد.

۱. تز اصلی

الف- نکته اصلی

۱. اطلاع جزئی

۲. -----

۳. -----

۴. -----

ب- -----

۱. -----

۲. -----

۳. -----

۴. -----

۵. -----

پ- -----

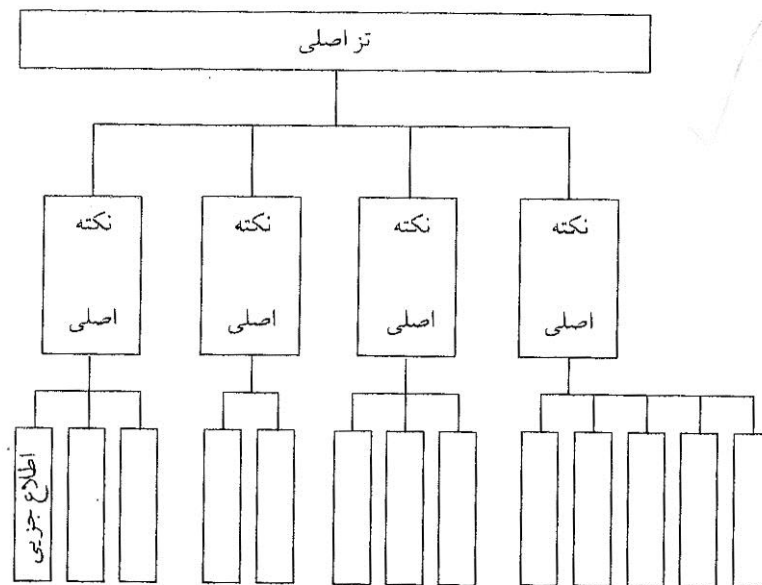
..... ۱.

..... ۲.

..... ۳.

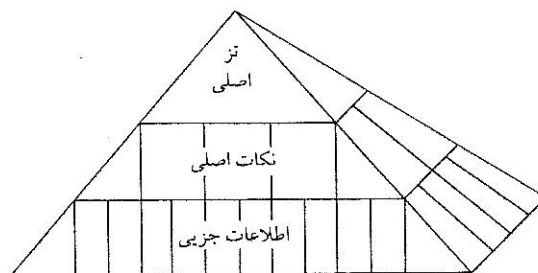
طرح سازمانی

طرح سازمانی به طور آشکارتری یک سلسله مراتب از اندیشه‌ها را نشان می‌دهد و خط تکامل از یک سطح به سطح دیگر را هم به سمت بالا و هم به سطح پایین ترسیم می‌کند.



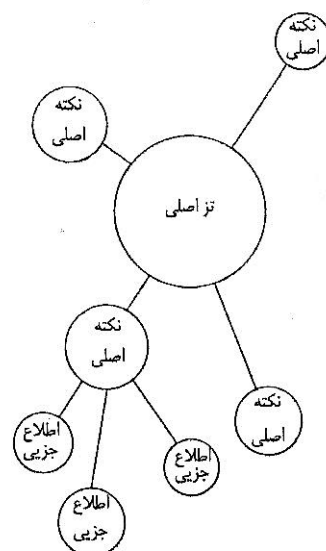
طرح هرمی

طرح هرمی چندین جهت مختلف را تصویر می‌کند و وحدت اندیشه‌ها را از طریق رابطه هر بخش با مطلب کلی نشان می‌دهد. ساختمان بیشتر مطالب غیرداستانی را می‌توان با این طرح نشان داد.



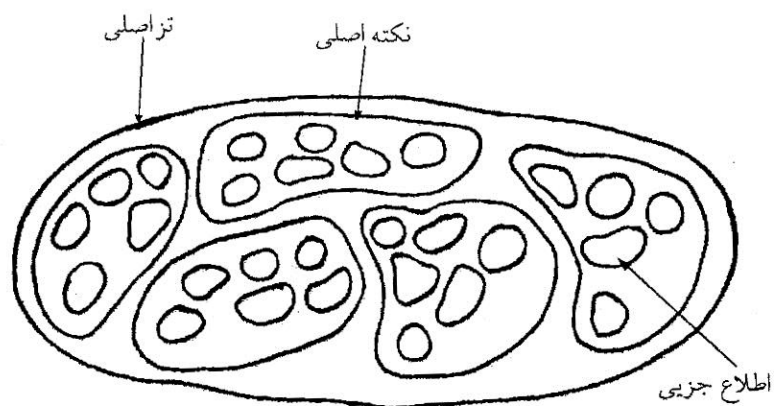
طرح شعاعی

طرح شعاعی جهت‌های متفاوتی را نشان می‌دهد. در این طرح وضعیت، اندازه، و فاصله قسمت‌ها نشان‌دهنده روابط مختلف قسمت‌های نسبت به تر اصلی هستند.



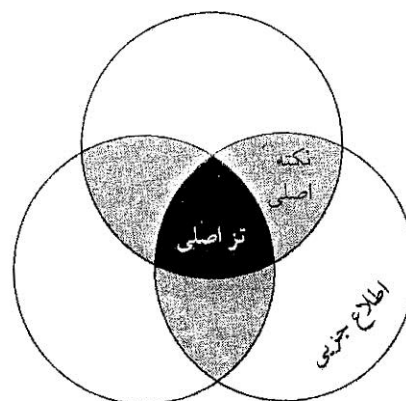
طرح سلولی

طرح سلولی روابط نسبتاً مستقل ولی در عین حال وابسته به تز اصلی را با قسمتهای آن - نکات اصلی و جزئیات - تصویر می کند.



طرح همپوشی

طرح همپوشی ساختاری را نمایش می دهد که در آن قسمتها با یکدیگر تقاطع می کنند و دارای وجه اشتراک هستند. در این طرح، سازمان مطالب از قسمتهای کاملاً مشخص و مجزا درست نشده اند. مساحتهای متقاطع نشان دهنده اختلاط اندیشه هاست که از این اختلاط سطوح بالاتر و بالاتر معانی ایجاد می شوند.



تشکیل ساختمان از سه را میسر است. یکی اینکه، شما می‌توانید مطالب را به طور ذهنی سازمان دهید. این یک روش سریع است. ولی ممکن است برای یک مدت طولانی مطالب در ذهن شما باقی نمانند. دوم اینکه می‌توانید ساختمان را برطبق شکل‌های فوق در یک دفترچه ترسیم نمایید. این بهترین نوع یادگیری را تضمین می‌کند، ولی معمولاً خیلی وقت‌گیر است. بالاخره، علامت‌گذاری و حاشیه‌نویسی بر روی کتاب روش سریع و مطلوب ایجاد ساختمان برای مرور کردن کتاب است، که زیاد وقت‌گیر نیست و معایب روش سازمان دادن مطالب به طور ذهنی را ندارد.

علامت‌گذاری و حاشیه‌نویسی: علامت‌گذاری و حاشیه‌نویسی روشی است که به وسیله آن با علامت‌گذاری و نوشتن رمزها و نشانه‌ها بر روی مطالب کتاب ساختمان مطالب را می‌شود مشخص کرد. این روش، همچنین شامل نوشتن حواشی است که بدان وسیله تداعیها، انتقادهای، و سؤالات شما مشخص می‌شوند. بسیاری از خوانندگان زیر مطالبی را که می‌خوانند خط می‌کشند. ولی، خط کشیدن ساختمان مطالب را تنها در یک سطح نشان می‌دهد. به‌منظور کشف ساختمان مطلب به‌طور آشکار، دست‌کم مطالب را باید در سه سطح اهمیت نشان داد. علاوه بر روشن کردن ساختمان مطلب، علامت زدن به همراه کاربرد رمزها و نشانه‌ها شما را قادر خواهد ساخت تا عملاً با اهمیت نسبی مطالب روبه‌رو شوید و درباره آنها تصمیم بگیرید. این کار شما را از بی‌توجهی نسبت به اهمیت مطالب باز خواهد داشت.

روش علامت‌گذاری زیر یکی از روشهای متعدد علامت‌گذاری است. معمولاً اگر در سراسر یک کتاب رمزها و نشانه‌های واحدی برای علامت‌گذاری به کار برده شوند، کار علامت‌گذاری و خواندن مطالب به هنگام مرور کردن ساده‌تر می‌شود.

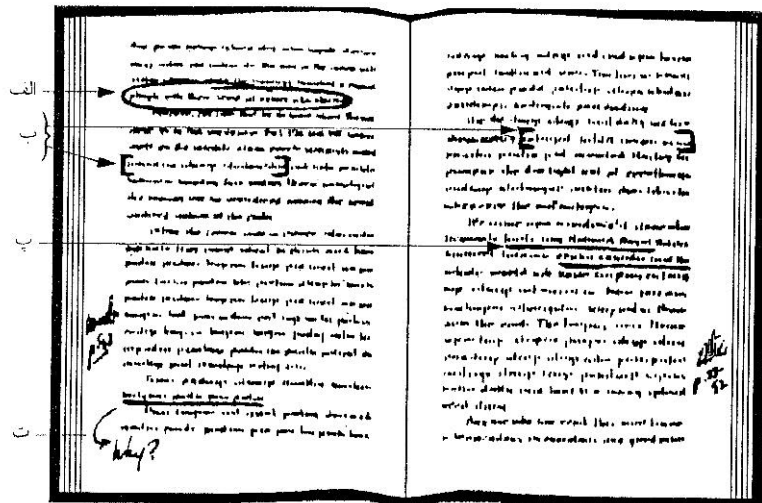
نمونه‌ای از علامت‌گذاری

الف- دور تز اصلی خط بکشید، یا اگر این تز به روشنی مشخص نشده است، خودتان آن را در آغاز مطلب بنویسید (ممکن است نتوانید این کار را قبل از مطالعه تمامی مطلب و انجام علامت‌گذاری بکنید. در این صورت این کار را پس از اتمام مطالعه و علامت‌گذاری انجام دهید).

ب- نکات اصلی را در داخل کروشه قرار دهید.

پ- زیر جزئیات مهم خط بکشید.

ت- در حاشیه تداعیها، انتقادات و سؤالات خود را براساس مطالعات و تجربیات قبلی خود بنویسید.
 اگر وقت اجازه می‌دهد، نوشتن یک خلاصه از مطالب مفید است. خلاصه فصلها را می‌توانید در ابتدا یا
 انتهای کتاب یک جا قرار دهید.



۳. خلاصه کردن: خلاصه، یک مرور از مطالبی است که خوانده‌اید. در واقع بیان مجددی است از نکات اصلی به زبان خود شما. یک خلاصه نه تنها باید شامل نکات اصلی باشد، بلکه باید بیان‌کننده روابط میان نکات اصلی و دلایل مؤلف در مورد ارتباط دادن این نکات باشد، و به طور منطقی نکات اصلی را به تزی اصلی ربط دهد.

خلاصه‌ها به سه منظور زیر نوشته می‌شوند:

* آنها نوعی واریسی از درک و فهم شما هستند.

* آنها کار مرور کردن را آسان می‌سازند.

* آنها نگهداری مطالب را در حافظه تقویت می‌کنند. شواهد نشان می‌دهند که یادآوری مطالب پس از یک مدت طولانی، بدون خلاصه کردن گاه به گاهی آنها، میسر نیست.

یک خلاصه می‌تواند ذهنی، شفاهی، کتبی، یا ترکیبی از اینها باشد. خلاصه‌های ذهنی از انواع خلاصه‌های دیگر کم‌اثرتر هستند. نوع خلاصه‌ای که تهیه می‌کنید باید به اهمیتی که به مطلب می‌دهید و میزان مسئولیتی که در قبال خواندن آن مطلب دارید وابسته باشد. ولی، یک خلاصه ذهنی، شفاهی، یا نوشتاری که خواننده

تهیه می‌کند، همیشه برای یادگیری و یادآوری مطالب، از خواندن بدون خلاصه‌برداری (و در عوض دوباره-خوانی به هنگام لزوم)، به طور قابل ملاحظه‌ای مفیدتر است. برای یادگیری حداکثر مطالب در سه وقت خلاصه تهیه کنید:

- **به هنگام خواندن** - در ضمن مطالعه و در پایان یک نکته مهم یا یک قسمت مهم مفید است که خلاصه آن را در حاشیه کتاب بنویسید.
- **بلافاصله بعد از اتمام خواندن** - برای واریسی میزان درک خود و افزایش میزان نگهداری مطالب در حافظه.
- **پس از مدتی که از خواندن سپری شد** - برای آماده شدن جهت بحث در کلاس و امتحانات.
- **خلاصه‌ها را همیشه باید با کلمات و جملات خودتان بنویسید**. اگر نمی‌توانید مطالبی را که خوانده‌اید به زبان خود بیان کنید، به احتمال قوی آن را خوب نفهمیده‌اید و احتمالاً نخواهید توانست آن را به طور واضح به یاد آورید.

کاربردهای عملی روش دقیق خوانی

۱. یک مطلب نسبتاً کوتاه غیرداستانی را از میان مطالب خواندنی جاری خود (مثل یک مقاله علمی، یا فصلی از یک کتاب، و غیره) انتخاب کنید. آن را به طور اجمالی بخوانید تا نوعی آشنایی با تز اصلی و نکات اصلی به دست آورید. بعد آن را به طور دقیق بخوانید، و علامت‌گذاری و حاشیه‌نویسی بکنید. برای این کار یا از روشی که در این فصل بحث شد استفاده کنید یا رمزها و اشاره‌های خودتان را به کار برید. بعد از اتمام مطالعه، یک خلاصه تهیه کنید، و سعی کنید در این خلاصه تز اصلی، نکات اصلی، و جزئیات لازم را بگنجانید.

کاربرد این روش دقیق خوانی خود را با توجه به راهنماییهای جدول ۱-۴ ارزشیابی کنید.

۲. یک مطلب غیرداستانی دیگر انتخاب کنید. آن را به طور اجمالی بخوانید و بعد یک سؤال درباره تز اصلی آن طرح کنید. بعد مطلب را به طور دقیق بخوانید، و آن نکاتی را که برای پاسخ دادن به سؤال کمک می‌کنند علامت بگذارید. آن‌گاه جواب سؤال را بنویسید. در صورت امکان، این کار را با تغییر سؤال به صورت بیان یک تز اصلی انجام دهید، و نکات علامت‌گذاری شده را برای توصیف این تز به کار برید.

کاربرد روش خود را با استفاده از راهنماییهای جدول ۴-۱ ارزشیابی کنید.

۳. به هنگام مطالعه یک فصل طولانی که دارای عنوانهای زیادی است، اندیشه‌ها و موضوعها را خلاصه کنید و آنها را طوری برای خود دسته‌بندی کنید که فقط پنج قسمت اصلی تشکیل دهند.

۴. فصلی از کتاب درسی یا یک کتاب داستانی یا مقاله‌ای از یک روزنامه را به طور دقیق بخوانید. مطالب را براساس طرحهای مختلف ساختار مطالب که در این فصل آمده‌اند به چندین صورت دسته‌بندی کنید. بعد تعیین کنید که کدام طرح برای ربط دادن قسمتها به تز اصلی مناسب‌تر است.

۵. در مورد کتابی که برای گذراندن یک امتحان می‌خوانید تعدادی سؤال که فکر می‌کنید در امتحان خواهند آمد طرح کنید. برای طرح این سؤالات ابتدا کتاب را به طور اجمالی بخوانید. بعد با دقت خواندن کتاب سعی کنید به سؤالات جواب دهید.

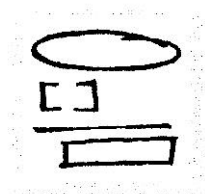
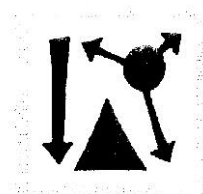
جدول ۱-۴

چارت مرور فنون دقیق‌خوانی با یک فصل

فنون	منابع	راهنمای ارزشیابی
<p>بررسی اجمالی برای تشخیص ساختمان اولیه</p> <p>تذ اصلی</p> <p>نکات اصلی</p>	<p>عنوان مقدمه</p> <p>تصوری مقدماتی از تذ اصلی و نکات اصلی به دست آوردید؟</p> <p>نتیجه‌گیری سؤالاتی را طرح کرده‌اید که در موقع دقیق‌تر خواندن بتوانید به آنها جواب دهید؟</p> <p>عنوانهای فرعی جملات موضوعی</p>	
<p>تعیین ساختار/ علامت‌گذاری و حاشیه‌نویسی</p> <p>تذ اصلی</p> <p>نکات اصلی</p> <p>اطلاعات جزئی (جزئیات)</p> <p>خلاصه مرور اندیشه‌های مهم</p>	<p>عنوان مقدمه</p> <p>آیا تذ اصلی روشن‌کننده عنوان است؟</p> <p>آیا این تذ به اندازه کافی وسیع است؟</p> <p>نتیجه‌گیری آن‌طور که تمام نکات اصلی را دربرگیرد؟</p> <p>نکات اصلی</p> <p>عنوانهای فرعی آیا نکات اصلی به تذ اصلی مربوط است؟</p> <p>جملات فرعی آیا رابطه بین عنوانهای فرعی و جملات موضوعی را روشن کرده‌اید؟</p> <p>محتوای پاراگرافها آیا جزئیات نکات اصلی را روشن می‌کنند و توضیح دهنده آنها هستند؟</p> <p>آیا این اطلاعات واقعیات ساده، توضیح و تفسیر، یا مثال هستند؟</p> <p>همه منابع فوق آیا تمام نکات اصلی را با تذ اصلی ربط دادید؟</p> <p>آیا نحوه بسط تذ اصلی و نکات اصلی را نشان دادید؟</p> <p>آیا خلاصه شما برای مرور کردن در مواقع بعدی مفید است؟</p>	

در این موارد ملاکهای دقیق خوانی جدول ۱-۴ را مورد نظر قرار دهید.

۶. به هنگام تهیه یک مقاله تحقیقی کتابهای مربوط به مقاله را انتخاب کنید و طرح خلاصه‌ای را که در این فصل معرفی شد در مورد آنها پیاده کنید. این کار شما سازمان مطالب مؤلف و دیدگاه کلی او را روشن خواهد ساخت. بعد از این کار، می‌توانید به نحو بهتری تصمیم بگیرید که کدام کتابها را به کلی کنار بگذارید، یا کدام کتابها را در بعضی قسمتها مورد استفاده قرار دهید، یا کدام کتابها را به طور کامل بخوانید.



روش ۵

خواندن تجسسی^۱

"برتری انسان بر ماشینهای حسابگر در این است که انسان سؤال طرح می‌کند ولی ماشینهای حسابگر جواب سؤالات را

می‌دهند".

گودوین واتسون

"... زندگان کسانی هستند

که می‌توانند سؤالات را بشنوند،

مردگان آنانی هستند که

جواب سؤالات را می‌دانند.

زندگان همواره در حال یادگرفتن هستند،

سؤال آنان را به اندیشه وامی‌دارد

و مجبورشان می‌کند تا به طور مرتب

روش تفکر خود را نسبت به جهان مورد بررسی قرار دهند.

مردگان

مایل به شنیدن سؤالات نیستند،

زیرا آنان راحتی یک بیان پاکیزه را ترجیح می‌دهند".

هلاک هافمن، مرکز مطالعات نهادهای دموکراتیک

سقراط

"زندگان بدون چون و چرا ارزش زیستن را ندارد".

چرا روش سؤال کردن را یاد بگیریم؟ چرا به هنگام مطالعه سؤال بکنیم؟ آیا سؤال کردن یک روش عملی است؟ کار مفیدی است؟ چگونه؟ آیا باعث صرفه‌جویی در وقت می‌شود؟ باعث گرفتن نمره بهتر می‌شود؟ باعث تمرکز حواس می‌شود؟ آیا چیزی به عنوان افراط در سؤال کردن وجود دارد؟ چگونه می‌توان سؤالات پی‌در-پی را برانگیخت؟ سؤال کردن چه فایده‌ای دارد؟ نوع سؤالاتی را که یک خواننده می‌تواند طرح کند چیست؟ چگونه می‌توان در سؤال کردن سطوح مختلف اهمیت را منظور داشت؟ آیا انواع به‌خصوصی از سؤالات انواع به‌خصوصی از جوابها را سبب می‌شوند؟ آیا سؤالاتی هستند که جواب ندارند؟ چگونه می‌توان خود را برای سؤال کردن دقیق و صحیح تربیت کنیم؟ سؤالات به‌خصوصی را که می‌توان در یک موضوع به‌خصوصی طرح کرد چه هستند؟ چگونه می‌توان در یک موضوع به‌خصوصی سؤالی را طرح کرد که قبلاً درباره آن موضوع طرح نشد باشد؟ اگر مؤلف یک اثر حضور داشت از او چه سؤالاتی می‌کردید؟ فکر می‌کنید او چه سؤالاتی از شما می‌کرد؟ آیا سؤالات به‌خصوصی هستند که مخصوص یک زمینه مشخص دانش هستند؟ آیا علما در روش استقرایی خود بیشتر از طریق سؤال کردن استفاده می‌کنند؟ چگونه آنها به فرضیه‌های خود می‌رسند؟ آیا سؤالات ریاضی اغلب قیاسی هستند؟ آیا سؤالات مربوط به ادبیات سؤالات باز هستند؟ نمونه‌هایی از سؤالات دشوار رشته‌های مختلف چه هستند؟ بین سؤال کردن ماهرانه و آفریننده و خلق اندیشه‌های تازه، اختراعات، و کارهای هنری رابطه‌ای وجود دارد؟

هدف

هدف خواندن تجسسی افزایش دامنه تمرکز حواس و درک عمیق تر معانی است.

فواید

فواید خواندن تجسسی به شرح زیرند:

الف- کمک به تمرکز حواس از طریق تحریک حس کنجکاوی؛

ب- غلبه بر تنبلی، حالت کسلی، و پرتی حواس از طریق شرکت فعالانه در مطالعه؛

پ- آمادگی بیشتر برای گذراندن موفقیت آمیز امتحانات و شرکت در بحثهای کلاس؛

ت- افزایش زمان نگهداری مطالب در حافظه، از طریق کسب رضایت حاصل از دادن پاسخ درست به سؤالات؛

ث- افزایش آفرینندگی، از طریق نوع تفکری که هدفش همواره طرح پرسش و جستجو برای دادن پاسخ به پرسش است.

روش

کسی که به دنبال چیزی می گردد از کسی که به دنبال آن نمی گردد به احتمال بیش تری آن چیز را پیدا می کند. سؤالات به شما کمک می کنند تا به دنبال چیزها بگردید. اگر سؤالات به طور طبیعی پیش نمی آیند آنها را ایجاد کنید. طرح سؤال در تمام اوقات مفید است. طرح سؤال قبل از خواندن و در ضمن خواندن اجمالی، قدرت پیش بینی و علاقه شما را افزایش می دهد. طرح سؤال به هنگام مطالعه، علاقه شما را حفظ می کند و به شما کمک می کند تا مطالب دشوار را تجزیه و تحلیل کنید و آنها را بهتر بفهمید. طرح سؤال پس از مطالعه، کمک می کند تا میزان درک خود را از مطالب ارزشیابی کنید و نظر انتقادی خود را وسعت دهید.

چند سؤال؟ چه نوع سؤالی؟ خواندن تجسسی مستلزم سؤال کردن به طور جدی و پیگیر برای فهم عمیق مطالب است که کنجکاوی و هدف خواننده را از خواندن مطلب ارضا می کند. جریانی منظم از سؤالات و کنترل بر روی کیفیت و جهت آنها وجوه تشخیص روش خواندن تجسسی هستند.

سؤالات ساده مسائل عینی را مورد پرس و جو قرار می‌دهند. سؤالات دقیق‌تر به طور عمیق‌تر وارد مسائل می‌شوند، و بهترین نوع سؤالات از محدوده مطالب موجود فراتر می‌روند. بنابراین، خواندن تجسسی مستلزم طرح انواع سؤالات است. سؤالاتی که هم جزئیات و کلیات، هم مطالب ساده و مطالب پیچیده، و هم مسائل عینی و مسائل انتزاعی را دربرمی‌گیرند.

جریانی از سؤالات

کامینگز چنین گفته است: "همیشه جوابهای زیبا در پی سؤالات زیبا می‌آیند." از طریق سؤال کردن است که کودک با دنیا می‌آمیزد. از طریق سؤالات است که کودک دنیا را کاوش می‌کند و به یادگیری می‌پردازد، و پیش از ورود به مدرسه هزاران کلمه یاد می‌گیرد. او زبان و نکات دستوری بسیاری را می‌آموزد، بدون اینکه حتی اسم را از فعل تشخیص دهد، او درباره پول و ریاضیات، درباره نقش زنان و مردان، درباره ارزشها، درباره هویت افراد و اشخاص چیزها یاد می‌گیرد، بدون اینکه نیازی به آموزش رسمی داشته باشد. روان‌شناسی به ما می‌گوید که سالهای پیش از مدرسه غنی‌ترین سالها از نظر یادگیری هستند. این سالها سالهای سؤال کردن و تجسس‌اند.

وقتی که این سؤال‌کننده مشتاق به مدرسه می‌رود، چه به سر او می‌آید؟ معمولاً به سؤال کردن ادامه می‌دهد، ولی پاداش دیگر به اندازه سالهای قبل نیست. او متوجه خواهد شد که تعداد زیادی از سؤالات وی به وسیله معلم پیش‌بینی شده‌اند؛ بنابراین، بیشتر باید حرفهای دیگران را بشنود و کمتر به تجسس و اکتشاف بپردازد. همچنین متوجه می‌شود که سؤالات وی باید بجا باشند، در غیر این صورت ممکن است مورد ایراد معلم واقع شود. اگر او یک سؤال "مسخره" بپرسد، ممکن است همکلاسی‌هایش به او بخندند. تعداد بیست تا سی سؤال‌کننده در کلاس وجود دارند و فرصت کافی برای اظهار کنجکاوی همه آنان نیست. در جریان آموزش رسمی مدرسه کودک باید بیشتر به سؤالات معلم و مؤلف جواب بدهد تا به سؤالات خودش. بنابراین، جریان سؤال کردن کودک در بحثهای کلاسی و خواندن کتابها کند می‌شود؛ برای بعضی کودکان سؤال کردن به حداقل می‌رسد، و در بعضی دیگر به کلی از بین می‌رود. فقط تعداد خیلی کمی از کودکان کنجکاوی مرحله پیش از دبستان را حفظ می‌کنند.

خواننده باید چه کار بکند؟ از هر فرصتی برای سؤال کردن استفاده کند. اگر کنجکاوی به طور طبیعی وجود ندارد، باید آگاهانه بکوشد تا از طریق طرح سؤالات این کنجکاوی را ایجاد کند.

کی زمان سؤال کردن است؟ به طور کلی، در تمام اوقات به طرح سؤالات بپردازید. به طور مشخص تر، پیش از مطالعه، در وقت مطالعه، و بعد از مطالعه سؤال کنید.

سؤال کردن قبل از مطالعه

قبل از خواندن اجمالی یک کتاب، از خود بپرسید که هدف کلی شما از خواندن آن کتاب چیست. به هنگام خواندن اجمالی و بعد از خواندن اجمالی سؤال کنید که هدف به خصوص شما از خواندن کتاب چیست. چه می خواهید یاد بگیرید؟

سؤالات مربوط به هدف شما از مطالعه، طرز فکر شما را نسبت به مطلب مورد مطالعه روشن می سازند و در شما نسبت به مطالعه علاقه ایجاد می کنند و از مقاومت شما نسبت به مطالعه می کاهند.

به هنگام خواندن اجمالی، از عنوانها، عنوانهای فرعی، پاراگرافهای مقدمه و نتیجه، و از این قبیل سؤال بسازید. مطالعه اجمالی اطلاعات کافی را به شما می دهد تا سؤالات مفید و مناسب طرح کنید. طرح سؤال پیش از خواندن دقیق یک مطلب شما را وادار می کند تا به طور فعالانه به مطالعه کتاب بپردازید.

تمام سؤالات پایان فصول و پایان کتاب را مطالعه کنید. مطالعه این سؤالات پیش از خواندن فصل یا کتاب به شما نشان می دهد که چه چیزهایی از نظر مؤلف کتاب مهم هستند و به شما کمک می کند تا به هنگام مطالعه، به نکاتی که لازم است، توجه بیشتری بکنید.

* سؤالاتی که پیش از مطالعه کامل طرح می شوند اهمیت را برای خواننده مشخص می سازند، و هدفشان این است که به خواننده نوعی اطلاعات قبلی درباره مقصود نویسنده بدهند.

سؤال کردن هنگام مطالعه

جملات موضوعی را به صورت سؤال درآورید. سؤالاتی که به هنگام مطالعه طرح می شوند علاقه خواننده را به مطلب حفظ می کنند و کارایی خواننده را افزایش می دهند. یک عنوان داخل فصل یا جمله اول یک پاراگراف را می توان به یک سؤال تبدیل کرد و از آن برای روشن ساختن مطالب بعدی استفاده کرد.

برای مثال این جمله را:

علاوه بر فرانسه، سایر قدرتهای اروپا علاقه‌مند به نتایج انقلاب فرانسه بودند.

می‌توان به صورت سؤال زیر درآورد:

کدام قدرت اروپایی علاقه به خصوص به نتایج انقلاب فرانسه داشت؟ و چرا؟

بعد از طرح سؤال، برای یافتن جواب به خواندن بپردازید. این روش خصوصاً وقتی که یک مطلب

دشوار یا مطلبی که به آن علاقه ندارید را می‌خوانید بیش‌ترین کمک را به شما می‌کند.

با مؤلف به گفت و شنود بپردازید. تصور کنید که با مؤلف یک مکالمه دارید و سؤالات خود را متوجه وی

سازید؛ مثلاً:

"اساس فکری شما برای بیان چنین مطلبی چیست؟"

"آیا شما اطلاعات مفید را منظور کرده‌اید؟"

"کاربردهای عملی نظریه شما کدام‌اند؟"

"چرا در حاشیه صحبت می‌کنید؟"

از طرح سؤالات دشوار سرباز نزنید - حتی سؤالاتی که برای خود مؤلف هم جواب دادنش دشوار باشد.

*سؤالاتی که به هنگام مطالعه طرح می‌شوند علاقه خواننده را به کشف معانی حفظ می‌کنند؛

همچنین این نوع سؤالات از حدود مطالب سطحی می‌گذرند و تجزیه و تحلیل انتقادی مطالب را به

طوری عمیق سبب می‌شوند.

بعد از مطالعه

بعد از خواندن مطلب با طرح سؤال می‌توانید میزان فهم خود را از مطالب ارزشیابی کنید. این‌گونه سؤالات

شما را برای بحثهای کلاسی، امتحانات، و تهیه مقالات تحقیقی آماده می‌کنند.

روش مطالعه تجسسی را به عنوان یک روش آموزشی به کار برید. با همکلاسیهای خود از طریق طرح سؤال مطالبی را که خوانده‌اید مورد بحث قرار دهید. سعی کنید مطالب را به صورت سؤال طرح کنید نه اینکه آنچه را خوانده‌اید به صورت نقل قول مورد استفاده قرار دهید. از یکدیگر سؤالاتی بکنید که سرانجام شما را به مطالبی که آموخته‌اید هدایت بکنند. این کار به نوعی خلاقیت و انعطاف‌پذیری نیاز دارد، ولی این روش به شما نشان خواهد داد آنچه را خوانده‌اید به درستی درک کرده‌اید یا نه.

انتقاد بکنید: حال که مطالبی را که خوانده‌اید تا حد رضایت‌بخشی فهمیده‌اید، می‌توانید درباره نظم داخلی مطالب، ارزش اثر، و اعتبار آن سؤالات انتقادی طرح بکنید. همچنین می‌توانید درباره دسته‌بندی مطالبی که خوانده‌اید، اهمیت آنها، و روابط آنها با سایر مطالب علمی نظر انتقادی بدهید.

*سؤالاتی که بعد از مطالعه طرح می‌کنید میزان فهم شما را مورد ارزشیابی قرار می‌دهند، یادگیری شما را به سطح عمل درمی‌آورند، و سبب ایجاد نظر انتقادی در شما نسبت به مطالب می‌شوند.

کنترل سؤالات

درحالی‌که طرح سؤالات متعدد باعث ایجاد و حفظ علاقه و دقت خواننده به مطلب می‌شوند، کنترل بر روی کیفیت و جهت سؤالات برای روش صحیح خواندن تجسسی ضرورت دارد. سؤالات ساده به دنبال معانی سطحی و مشخص هستند، چون کی؟ چه؟ چه وقت؟ و کجا؟ سؤالات عمیق‌تر روابط درونی میان معانی و اندیشه‌های یک فصل یا یک کتاب را بررسی می‌کنند. یعنی سؤالات فرضها و منظوره‌های نویسنده را مورد پرسش قرار می‌دهند. حتی بعضی سؤالات فراسوی اثر مؤلف تجسس می‌کنند و به دنبال استنباطهای مؤلف و اعتبار و ارزش اثر و همچنین رابطه مطلب با سایر مطالب زمینه کار مؤلف هستند.

آگاهی خواننده از انواع مختلف سؤالات وی را قادر می‌سازد تا با سؤالات بیش‌تری به کلمات چاپ شده پاسخ دهد و کنترل بیش‌تری بر روی کیفیت و جهت سؤالات داشته باشد. مطلب زیر تحت عنوان "طبقه‌بندی سؤالات" یکی از راههای اندیشیدن در مورد انواع مختلف سؤالات است.

طبقه‌بندی سؤالات*^۱

۱. **سؤالات حافظه‌ای:** این نوع سؤالات صرفاً با یادآوری اطلاعات سروکار دارد، چه اطلاعات مربوط به واقعیات و چه اطلاعات مربوط به مفاهیم، روشها، ترکیبها، و تعمیمهای بیان شده.

برای مثال:

"وزن مخصوص جیوه چقدر است؟"

"تاریخچه سازمان ملل را به اختصار بیان کنید."

۲. **سؤالات ترجمه‌ای:** این نوع سؤالات مستلزم بیان اندیشه‌ها و مقاصد به صورتی غیر از صورت اصلی

است (مثل تبدیل کلمات به نشانه‌ها، نشانه‌ها به اشکال، کلمات به کلمات یا صورتهای دیگر، و غیره).

برای مثال:

"از روی مطالب نوشته شده، مراحل جذب را به صورت نمودار نشان دهید."

"معنی این فرمول اینشتن: $E = mc^2$ را به زبان خودتان بنویسید."

۳. **سؤالات تفسیری:** این گونه سؤالات مستلزم کشف روابط میان اطلاعات واقعی، تعریفها، تعمیمها، یا

ارزشهاست، چون سؤالات مقایسه‌ای یا مقابله‌ای، یا سؤالاتی که به دنبال روابط علت و معلولی هستند.

برای مثال:

"فرق اثرات الکل و ماری‌جوآنا را بر روی آدمیان با هم مقایسه کنید."

"تفاوت میان مفهوم "دموکراسی" در ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی چیست؟"

۴. **سؤالات کاربردی:** سؤالات کاربردی از خواننده می‌خواهند تا مطالب عملی را به مسائل روزمره ربط

دهد و آنها را در عمل وارد کند.

برای مثال:

* در طبقه‌بندی این بخش با کسب اجازه از کتاب زیر استفاده شده است: **طبقه‌بندی هدفهای پرورشی، کتاب اول: حوزه شناختی:** تألیف بنجامین س. بلوم و همکاران او، از انتشارات شرکت دیوید مک‌کی، ۱۹۵۶. مطالبی که در این بخش از طبقه‌بندی فوق اقتباس شده شامل تغییراتی است که نوریس م. سندرز در کتاب خود با عنوان **سؤالات کلاسی، چه نوع؟** در این طبقه‌بندی ایجاد کرده است. کتاب اخیر در سال ۱۹۶۶ توسط شرکت انتشاراتی هارپر واد در نیویورک چاپ شد.

(کتاب فوق توسط مترجم حاضر و علی‌آبادی ترجمه شده و در سال ۱۳۳۸ توسط انتشارات رشد به چاپ رسیده است-م).

"انفجار جمعیت بر من چه تأثیری خواهد داشت؟"

"اثر پاداش فوری بر یادگیری زبان در نزد کودکان چیست؟"

۵. **سؤالات تحلیلی:** این سؤالات به یادگیرنده کمک می‌کنند تا **قدمهای منطقی** به کار رفته در یک نظام

فکری را که برای رسیدن به یک نتیجه لازم است تشخیص دهد.

برای مثال:

"جفرسون چگونه به این نتیجه رسید که تمام آدمیان برابر خلق شده‌اند؟"

"چگونه بعضی از رهبران سیاه‌پوستان نظر خود را از اختلاط نژادها به "قدرت سیاه" تغییر داده‌اند؟"

طراح سؤال در موقع طرح سؤالات "تحلیلی"، باید هم از **قسمتهای مختلف** مطلب و هم از **استدلال**

مربوط به جمله کردن قسمتها و ربط دادن آنها با یکدیگر **آگاهی کامل** داشته باشد.

۶. **سؤالات ترکیبی:** سؤالات ترکیبی مستلزم این است که خواننده با **پهلوی هم** قرار دادن اطلاعات و اجزا

یک اثر یا اندیشه تازه به وجود آورد که قبلاً به این صورت دیده نشده باشد.

برای مثال:

"یک تعریف عملی برای اطلاعات معتبر تاریخی چیست؟"

"برای روابط بین آمریکا و آسیای جنوب شرقی در ده سال آینده یک خط مشی سیاسی پیشنهاد کنید."

سؤالات ترکیبی امکان نوعی "**کنترل همراه آزادی**" برای دادن پاسخها فراهم می‌آورند. این سؤالات

امکان شناسایی طرق مختلف اندیشیدن و تفکر خلاق را فراهم می‌آورند، در حالی که هنوز پاسخ در

چهارچوب محدوده تعیین شده قرار خواهد داشت. پاسخ به یک سؤال ترکیبی همیشه باید دربرگیرنده نوعی

محصول فکری باشد.

۷. **سؤالات ارزشیابی:** سؤالات ارزشیابی مستلزم **داوری** درباره ارزش و اعتبار یک مطلب یا یک اثر برای

منظوری معین با کمک معیارهای تعیین شده است. این داوری براساس **معیارهای درونی** و (یا) **معیارهای**

بیرونی صورت می‌گیرد.

برای مثال:

"کدام یک از آثار داستانی زیر را می‌توان بزرگ‌ترین داستان آمریکایی به حساب آورد: موبی‌دیک،

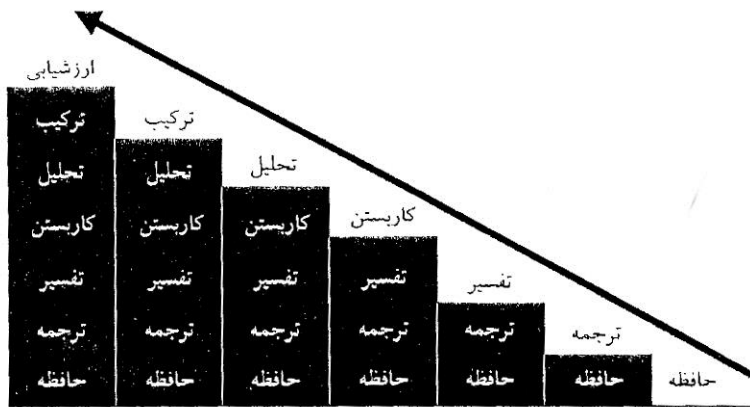
هاکل‌بری‌فین، یا گتسی بزرگ؟ چرا؟"

"چه وقت باید آزادی فردی را بر رفاه اجتماعی ترجیح داد، و چه وقت باید رفاه اجتماعی را بر آزادی

فردی ترجیح دانست؟ چرا؟"

به هنگام مراجعه به این هفت طبقه از سؤال کردن چهار نکته را باید در نظر داشت:

۱. این طبقه‌بندی به صورت یک سلسله مراتب از ساده به دشوار تهیه شده است.
۲. طبقه‌ها هر یکی بر روی دیگری سوار است، و درحالی‌که هر طبقه دارای ویژگیهای مخصوص به آن طبقه است دارای ویژگیهایی از طبقات پایین‌تر نیز هست.
۳. هر سؤال را باید در بالاترین طبقه به حساب آورد، و در نظر داشت که مواردی که از طبقات پایین‌تر در سؤال گنجانده شده است مراحل مقدماتی است که باید برای رسیدن به طبقه بالاتر طی شوند.
۴. طبقه‌بندی هر سؤال در آخر سر وابسته است به تجربیات و مطالعات قبلی طراح سؤال؛ مثلاً شخصی ممکن است یک سؤال ریاضی را در طبقه "ترکیب" جای دهد، اگر این سؤال به یک فرمول یا محصول تازه منتهی می‌شود، درحالی‌که شخصی دیگر ممکن است همین سؤال را در طبقه "حافظه" قرار دهد، اگر سؤال تنها نیاز به یادآوری یک فرمول و یا یک اطلاع دارد. به همین طریق، برای یک دانش‌آموز کلاس پنجم که کتاب علوم را خوانده است این سؤال: "علت بیماری مالاریا چیست؟" یک سؤال حافظه‌ای است، درحالی‌که این سؤال برای دکتر ویلیام گرگس، پیش از کشف رابطه بین پشه مالاریا و بیماری مالاریا، یک سؤال ترکیبی بود.



البته علاوه بر طبقه‌بندی فوق راههای دیگری برای اندیشیدن دربارهٔ سؤالات وجود دارد.

برای مثال:

۱. سؤالات را می‌توان برحسب این موارد از هم تفکیک کرد:

(الف) اطلاعات واقعی

(ب) معانی

(پ) اهمیت شخصی

۲. سؤالات را می‌توان برحسب موارد زیر از هم تفکیک کرد:

(الف) روابط بین مطالب

(ب) روابط بین مطالب و تجربیات دیگر

(پ) فرضهای اساسی یا اهمیت ارزشها

۳. سؤالات را می‌توان برحسب این کلمات از هم تفکیک کرد:

(الف) کی، (ب) چه، (پ) کجا، (ت) چه موقع، (ث) چرا، (ج) چگونه، از میان این کلمات، با "چرا" و

"چگونه: سؤالات بهتری می‌توان ساخت.

روشهای تجسس و پژوهش

سؤالاتی که برای هر زمینه به خصوص علمی مناسب‌اند نسبت مستقیم با مقصود خواننده و طبیعت مطلب دارند. هر موضوع علمی خاصی "روش تجسسی" مخصوص به خود را دارد. منظور از روش تجسس راههای به خصوص جمع‌آوری، بررسی، سازمان دادن، و تغییر دادن اطلاعات و دانشهاست. این روشهای تجسس توسط اشخاصی که در زمینه‌های به خصوص علمی کار می‌کنند مورد استفاده قرار می‌گیرند.

برای مثال، وجه مشخص روش تجسس در علوم طرح سؤالات به هنگام انجام مراحل پژوهش علمی است؛ یعنی سؤالات مربوط به فرضها، تعاریف، اصطلاحات، مشاهدات، فرضیه‌ها، اطلاعات جمع‌آوری شده در آزمایشگاه یا صحنه‌های طبیعی، تفسیر این اطلاعات، و نتیجه‌گیری از آنها. در علوم طبیعی و علوم دیگر تجسس و پژوهش معمولاً به صورت طرح سؤالات صورت می‌گیرند و علاوه بر سؤالات، بیانات غیرسؤالی چون فرضیه‌ها و هدفها نیز مورد استفاده واقع می‌شوند.

خواننده مطالبی را که می‌خواند کامل‌تر درک خواهد کرد اگر سؤالاتی را که طرح می‌کند با روش تجسس و پژوهش موضوع علمی مورد مطالعه هماهنگی داشته باشد. بدین طریق خواننده کمتر خارج از گود قرار خواهد داشت، و بیشتر کار او جنبه مشارکت خواهد بود. وقتی که یک خواننده سؤالاتی هماهنگ با روش پژوهش و تجسس یک رشته علمی طرح می‌کند، گفته می‌شود که وی طرز فکر علمی دارد (برای کسب اطلاعات بیشتر در این مورد به بخش "کاربرد در موضوعات" در پیوست این کتاب مراجعه کنید).

در موضوعات مختلف، از تاریخ گرفته تا ادبیات انگلیسی، فلسفه، یا هر مطلب دیگر، روشهای تجسسی مربوط به هر موضوع به وسیله محققان آن موضوع به طور کمابیش یکسان به کار می‌روند. این روشها را می‌توان از طریق بررسی تعداد و نوع سؤالاتی که خودتان طرح می‌کنید و مؤلفان هر زمینه علمی طرح می‌کنند کشف کرد و یاد گرفت. یک آموزش و پرورش واقعاً آزاد آن است که تدارک بیننده نکات زیر باشد.

۱. آشنا ساختن یادگیرنده با روشهای مرسوم تجسس و نحوه کاربرد آنها؛

۲. ایجاد تنوع در کاربرد روشهای تجسس و ترکیب و تغییر آنها به منظور خلق بصیرت یا بینش در یادگیرنده.

دستورالعمل مقایسه سؤالات با موضوعات مختلف

دستورالعمل زیر به شما نشان می‌دهد که چگونه سؤالات مختلف را با موضوعات مختلف مقایسه کنید. این دستورالعمل می‌تواند به شما در طرح بعضی سؤالات و شناسایی بعضی روشهای تجسس مربوط به موضوعاتی که شما در حال حاضر با آن مواجه هستید کمک کند.

راهنمایی

حداقل دو درس از دروس خود را (تاریخ، فیزیک، ادبیات، زیست‌شناسی، و غیره) در جدول ۱-۵ وارد کنید. در ستون موضوع، با توجه به فهرست سمت راست جدول، نوع سؤال یا روش تجسس را که فکر می‌کنید برای آن موضوع مناسب است یک علامت بزنید. در صورت لزوم انواع دیگر سؤالات با روشهای تجسس را می‌توانید در پایین جدول وارد کنید. این کار را برای چند موضوع درسی انجام دهید. با مقایسه علامتهایی که در ستونهای مربوط به موضوعات گذاشته‌اید، ببینید که در موضوعات مختلف روشهای متفاوت تجسس به کار می‌روند یا روشهای یکسان.

جدول ۱-۵

دستورالعمل مقایسه سؤالات با موضوعات مختلف

۱. موضوعات مورد نظر خود را در جدول زیر وارد کنید.
۲. زیر هر موضوع در مقابل طبقات سؤالات یا روشهای تجسسی که به نظر شما برای یادگیری موضوع مورد نظر مفید هستند علامت بزنید.

موضوعات				طبقات برای روشهای سؤال کردن و تجسس*
موضوع	موضوع	موضوع	موضوع	
				چه کسی؟
				چه چیزی؟
				کجا؟
				چه وقت؟
				چرا؟
				چگونه؟
				چه وقت اتفاق می افتد؟
				علتهای آن چیست؟
				منظور ما از ... چیست؟
				اگر ... اتفاق افتد چه می شود؟
				می توانیم این کار را ... بکنیم
				چرا نه؟
				چگونه؟
				این ... امکان دارد؟
				غیره

* برای توصیف موضوعات علمی و روشهای نمونه تجسسی به بخش "کاربرد در موضوعات" پیوست کتاب- مراجعه کنید.

دنباله جدول ۱-۵

موضوعات

موضوع	موضوع	موضوع	موضوع
			تر اصلی چیست؟
			نکات اصلی کدامند؟
			جزئیات چه هستند؟
			روابط درونی
			روابط بیرونی
			فرضهای اصلی
			اهمیت و ارزش
			طبقه‌بندی سؤالات*
			۱. سؤالات حافظه‌ای
			۲. سؤالات ترجمه‌ای
			۳. سؤالات تفسیری
			۴. سؤالات کاربردی
			۵. سؤالات تحلیلی
			۶. سؤالات ترکیبی
			۷. سؤالات ارزشیابی
			خلاصه کردن
			بسط دادن
			تعمیم دادن

* در این مورد به طبقه‌بندی سؤالات مراجعه کنید.

دنباله جدول ۱-۵

موضوعات					
موضوع	موضوع	موضوع	موضوع		
				فیزیکی	سطوح
				روانشناختی	
				اخلاقی	
				فلسفی	
				مشخص به کلی	دامنه‌ها
				ساده به پیچیده	
				واقعی به ادراکی	
				عملی به غیر عملی	
				زمان؟	جهت‌گیری
				موقعیت؟	
				مردم؟	

طبقات دیگر؟

تمرینات

۱. **طرح جریان سؤالات:** از یک کتاب فصلی را که هنوز نخوانده‌اید انتخاب کنید. با توجه به عنوان فصل، عنوانهای فرعی فصل، عکسها، جدولها و غیره در یک دقیقه هر چه می‌توانید سؤال طرح کنید. این کار را ذهنی انجام دهید، و برای هر سؤال که طرح می‌کنید در یک صفحه کاغذ یک علامت بگذارید. در این کار تعداد سؤالا اهمیت دارد نه کیفیت آنها. در اولین تمرین باید تعداد شش تا پانزده سؤال طرح کنید. این تمرین را با مطالب دیگر تکرار کنید. این بار سعی کنید تعداد سؤالات خود را حداقل دوبرابر کنید. (در تمرین دوم تعداد سؤالات شما باید بین دوازده تا سی تا باشد). اگرچه ممکن است سؤالات اولیه شما قدری ناپخته به نظر برسند، مایوس نشوید؛ فراموش نکنید که "سؤالات ناپخته اغلب تقلیدهای نخستین سؤالات سنجیده هستند" (آلفرد نورت وایت‌هد). این نوع تمرین در ایجاد علاقه نسبت به مطالب مورد مطالعه بسیار مفید است.

۲. **سؤالات مؤلف:** در ضمن خواندن یک فصل به طور اجمالی، اگر مؤلف سؤالاتی طرح کرده است آنها را بخوانید. بعد، به هنگام مطالعه کامل فصل، سعی کنید به این سؤالات جواب بدهید. آیا این سؤالات به فهم بهتر شما از مطالب کتاب کمک می‌کنند؟ این سؤالات بیشتر مربوط به نکات کلی و یا مطالب جزئی فصل هستند؟ فکر می‌کنید می‌توانید نوع دیگری از سؤالات طرح کنید که برای تحریک کنجکاوی، حفظ دقت، و درک مطالب شما مفیدتر باشند؟

۳. **غلبه بر ترس از شکست:** سؤال کردن یکی از مستقیم‌ترین راههای غلبه بر ترس از شکستی است که از عدم توانایی خواننده در تمرکز حواس و در نتیجه درک کم وی از مطالب حاصل می‌شود. به هنگام خواندن، با طرح سؤالات می‌توانید نسبت به مطالعه و میزان فهم خود اعتماد کسب کنید، و در نتیجه از ترس خود بکاهید. این کار را با پاراگراف زیر انجام دهید و حداقل سه سؤال درمورد آن طرح کنید که شما را در سنجش میزان درک خود از مطلب کمک کند.

تجزیه یون^۱

در واقع تمام واکنشهای شیمیایی مهم از نظر زیست‌شناختی در محلولی مثل آب صورت می‌پذیرند. در آب ترکیبات مولکولی حل می‌شوند و به صورت مولکولهای مجزا از یکدیگر درمی‌آیند. ترکیبات یونی نیز به همین صورت حل می‌شوند، ولی علاوه بر این به اجزای کوچک‌تری نیز تجزیه می‌شوند. یعنی، بسیاری از پیوندهای یونی در حضور آب شکسته می‌شوند، و در نتیجه محلول آب شامل یونهای آزاد شده می‌شود.

آیا پس از طرح سؤالات و مطالعه مطلب به اعتماد شما در مورد درک مطالب افزوده شد؟ اگر نه، چند سؤال دیگر طرح کنید و پاراگراف را دوبار بخوانید تا با مطالب کاملاً آشنا شوید. این روش را برای سایر مطالبی که در فهمیدن آنها دچار اشکال می‌شوید و اعتماد زیادی به فهمیدن آن مطالب ندارید به کار برید. با تمرین نیاز به خواندن مجدد کاهش می‌یابد و سرانجام با همان بار اول خواندن مطالب لازم آموخته می‌شوند.

۴. مطالبی که کمتر مورد علاقه هستند: موضوعی را انتخاب کنید که به آن کم‌ترین علاقه را دارید. فصلی را در نظر بگیرید و درباره آن هرچه می‌توانید سؤال طرح کنید. بعد فصل را بخوانید و سعی کنید تمام سؤالات را جواب دهید. اگر پس از خواندن نتوانستید جواب همه سؤالات را بدهید، سعی کنید بفهمید چرا. آیا علت این بوده است که سؤالات نامربوط بودند؟ یا به خاطر اینکه نویسنده به خوبی مطلب را مورد بحث قرار نداده بود؟ آیا طرح سؤالات کمکی کردند به ایجاد نوعی علاقه به مطلب و کمک کردند تا شما مطالب را با ناراحتی کمتری بخوانید؟

۵. مرور کردن برای امتحان: به فهرست مطالب کتابی که قصد مطالعه آن را دارید مراجعه کنید. عنوانهای فصول و مطالب را به تعدادی سؤال تبدیل کنید. قبل از مراجعه به مطالب کتاب سؤالات را با حداکثر دقتی که می‌توانید پاسخ دهید. معین کنید که جواب دادن به سؤالات کدام فصل یا فصول دشوارتر از بقیه است. به هنگام مرور کردن وقت بیش‌تری صرف این فصول کنید. پس از این کار به فهرست راهنمای آخر کتاب مراجعه کنید و باز هم تعدادی سؤال بسازید و همان کار فوق را تکرار کنید.

^۱. بال پ.ویز، علم زیست‌شناسی، شرکت انتشاراتی مک گراهیل، ۱۹۶۳.

۶. از وحشت امتحان بپرهیزید: سه سؤال مشابه با آنچه که فکر می‌کنید معلم در امتحان به شما خواهد داد طرح کنید. برای این کار از تجربیات قبلی خود در مورد امتحانات دروس دیگر این معلم و امتحانات وسط ترم وی استفاده کنید. با استفاده از طبقه‌بندی سؤالات مربوط به طبقه‌بندی بلوم که در صفحات قبل آمد، نوع سؤالات این معلم را مشخص کنید. آیا این معلم بیشتر سؤالات مربوط به حافظه طرح می‌کند یا سؤالات او بیشتر در سطح ترجمه، تفسیر، کار بستن، تحلیل، ترکیب، یا ارزشیابی هستند؟ آیا فقط یک نوع سؤال می‌دهد یا سؤالات او مخلوطی از هر یک از طبقات فوق است؟

خلاصه

به طور خلاصه، سؤال کردن به علاقه‌مندی خواننده به مطالب خواندنی و حفظ علاقه وی به هنگام مطالعه منجر می‌شود. وقتی که خواننده به طور طبیعی نسبت به موضوعی کنجکاو نیست، از طریق سؤال کردن می‌شود نوعی کنجکاو در او ایجاد کرد شما می‌توانید از طریق سؤالات، به صورت یک خواننده فعال درآیید. رضایت حاصل از یافتن جواب به سؤالات کار خواندن را لذت بخش می‌سازد و زمان نگهداری مطالب را در حافظه طولانی‌تر می‌کند.

آن نوع سؤال کردن که خواندن تجسسی نام دارد مستلزم جریانی از سؤال کردن است، اما جریانی که از لحاظ کیفیت و جهت کنترل شده است. بنابراین، تجسس ترکیبی است از کنجکاو کودکانه و بلوغ بزرگانه. تجسس یکی از مؤثرترین روشهای یادگیری است، که از طریق آن می‌توان حجم بزرگی از مطالب علمی را به طریق درست در حافظه ذخیره کرد و به موقع مناسب از آن استفاده نمود. اگر یادگیرنده با روشهای تجسس و پژوهش مخصوص هر رشته آشنایی بیشتر کسب کند انواع یادگیری در یک زمینه دانش برای وی آسان‌تر می‌شود. برجسته‌ترین پیشرفتهای بشری در نتیجه سؤالاتی که ذهنهای خلاق مردمان جستجوگر طرح کرده‌اند حاصل شده است. کارهایی که شایستگی اهدای جایزه نوبل را پیدا کرده‌اند، کشفیات علمی، و شاهکارهای هنری همه نتایج کاربرد روشهای تجسسی هستند.



روش ۶

خواندن انتقادی^۱

اغلب گفته می‌شود که کتاب خیلی بهتر از فیلم است. آیا به نظر شما این یک انتقاد منصفانه است؟ چرا به نظر شما اغلب چنین است؟ عقاید شما به اندازه کافی جامعیت دارند؟ آیا عقاید خود را با دلایل منطقی مستدل می‌سازید؟

هدف

هدف از خواندن انتقادی دستیابی به قضاوت مستدل و درگیری عمیق‌تر با مطالب از طریق تجزیه و تحلیل معانی است.

سرعت تقریبی

سرعت تقریبی خواندن انتقادی ۵۰ تا ۶۰ کلمه در دقیقه است.

فواید

فواید خواندن انتقادی عبارت‌اند از:

الف- فهم عمیق‌تر مطالب و درگیری بیشتر با مطالب در نتیجه تجزیه و تحلیل اهمیت آنها؛

ب- طولانی ساختن مدت نگهداری مطالب در حافظه از طریق شناسایی روابط بین مواد مختلف و روابط

بین مواد و مطالب خواندنی دیگر و تجربیات شخصی؛

پ- کسب اعتماد در مورد ارائه نظرات انتقادی، از راه مستدل ساختن عقاید.

روش

منظور از خواندن انتقادی قضاوت کردن در مورد درستی، اعتبار، یا ارزش مطالب خواندنی براساس ملاکها یا استانداردهای صحیح است. خواندن انتقادی، با یک ذهن فعال و پرسنده، برای قضاوت کردن درست اهمیت فراوان دارد. خواندن انتقادی کلید فهم صحیح مطالب و درگیری با مطالب است، که برای تشخیص و ارزش-گذاری نوشته‌های خلاق ضرورت دارد. این روش، همچنین، برای تشخیص حقیقت و ارزش سایر نوشته‌ها لازم است. این فصل فنون اساسی مورد استفاده در خواندن انتقادی را توضیح و تشریح می‌کند. بعد از معرفی این فنون، مراحل مختلف مربوط به قضاوت منتقدانه مورد بحث قرار می‌گیرند.

خواندن انتقادی مستلزم فهم کلمات سطور یعنی معنای دقیق مطالب است. "من موافقم" یا من مخالفم؛ "من دوست دارم" یا "من دوست ندارم" بعد از "من می‌فهمم" می‌آیند. تمام فنون بحث شده در این کتاب به این منظور کمک می‌کنند. بنابراین، غالب اوقات، خواننده باید قضاوت نهایی خود را تا زمانی که بتواند مطالب را خلاصه کند و رابطه بین مطالب را درک نماید به تعویق بیندازد. حُسن این کار آن است که

بعد از فهم و درک کامل مطالب قضاوت خواننده معتبرتر خواهد بود و احتمال اینکه به طور ناپخته دست به نتیجه‌گیری بزند کمتر خواهد شد.

پس از فهمیدن مطالب سطور، خواننده برای درک اهمیت مطالب به صورت عمیق‌تری وارد متن می‌شود. در اینجا او، علاوه بر خواندن مطالب سطور، "بین سطور"، را هم می‌خواند؛ مطالب مولف را تجزیه و تحلیل می‌کند؛ و اهمیت و مربوط بودن یا نبودن عقاید او را مورد ارزشیابی قرار می‌دهد. خواندن بین سطور و ماورای سطور مستلزم کاربرد چهار فن است: سؤال کردن، استنباط کردن، ربط دادن، و ارزشیابی کردن. از طریق سؤال کردن، خواننده با مؤلف یک گفت و شنود برقرار می‌کند، و به کشف علل نارسا بودن، نامربوط بودن، و مبهم بودن مطالب وی می‌پردازد. از طریق استنباط کردن، خواننده به کشف فرضها، نتیجه‌گیریها، و مفاهیم ضمنی مؤلف در لابه‌لای نوشته‌ها می‌پردازد. از طریق ربط دادن، خواننده به رابطه بین مطالب یک اثر و همچنین رابطه بین مطالب آن اثر و سایر آثار و تجربیات خود دست می‌یابد و بالاخره از طریق ارزشیابی کردن خواننده تصمیم خود را درباره ارزش اثر با توجه به استانداردهای مشخص اتخاذ می‌کند.

فنون خواندن انتقادی

۱. سؤال کردن: سؤال کردن نخستین وسیله‌ای است که شما می‌توانید از طریق آن آنچه را می‌خوانید مورد بررسی و داوری قرار دهید. اگر آنچه را مورد شک قرار می‌دهید مورد سؤال قرار ندهید، چگونه به حقیقت یک موضوع متوجه خواهید شد؟ اگر شما جریان استدلال مؤلف را در رسیدن به نتیجه‌گیری مورد سؤال قرار ندهید، چگونه متوجه اطلاعات نامربوط و یا اطلاعات مربوط گفته شده می‌شوید؟

نوع سؤالاتی که درباره هر مطلب خواندنی طرح می‌کنید به نوع موضوع یا مطلب، و همچنین به کیفیت و میزان تجزیه و تحلیل شما از مطلب وابسته است. هر رشته علمی و دانش به‌خصوص دارای سؤالات مخصوص به خود است که از طریق ملاکهای ارزشیابی آن رشته به‌خصوص معین می‌شوند. برای مثال، وقتی که مطالب خبری را می‌خوانید، توجه شما بیشتر معطوف به صحت، روشنی، و مآخذ مطالب است. در یک کتاب درسی ریاضی بیشتر توجه به توضیح و صحت اصطلاحات، علامتها، فرمولها، معادلات، ارقام هندسی، و غیره معطوف است. همچنین اینکه مؤلف کیست، صلاحیت دارد یا نه، رابطه منطقی بین فصول مختلف وجود دارد یا نه، و اینکه کتاب در رابطه با سایر کتب ریاضی چقدر روشن‌تر و قابل استفاده‌تر است مورد نظر می‌باشد.

از طرف دیگر، به هنگام مطالعه یک مطلب متقاعدکننده توجه شما باید در درجه اول معطوف باشد به اعتبار و ثبات مطالب و کشف سفسطه‌هایی که حاصل استدلالهای غلط و روشهای نادرست هستند. در خواندن سرمقاله یک روزنامه سؤالات مورد نظر باید از این قرار باشند:

- تز نویسنده چیست؟

- چه اطلاعاتی برای پشت‌بندی این تز داده شده‌اند؟

- آیا این اطلاعات درست‌اند؟

- اطلاعات مربوط دیگری هستند که بحث نشده‌اند؟

- آیا نتیجه‌گیری نویسنده مبتنی بر یک استدلال منطقی است؟

- نتیجه‌ای که نویسنده از نوشته خود گرفته است، با توجه به شواهد و تجربیات دیگر، قابل قبول است؟

ولی به هنگام خواندن آثار ادبی، قاعدتاً شما بیشتر باید به سبک نوشته توجه کنید. در این گونه نوشته‌ها مسائل زیر باید مورد نظر باشند:

- تا چه حد اثر وحدت موضوع دارد؟

- وضع پیچیدگی قسمت‌ها و عناصری که این وحدت را ایجاد می‌کند چگونه است؟

- آیا این اثر ادبی دارای نوعی واقعیت شعری است؟

- آیا این اثر می‌تواند شما را از حالت نیمه‌آگاهانه زندگی روزمره بالاتر برده و از طریق تحریک احساسات و تخیلات به شما یک حالت بیداری بدهد؟

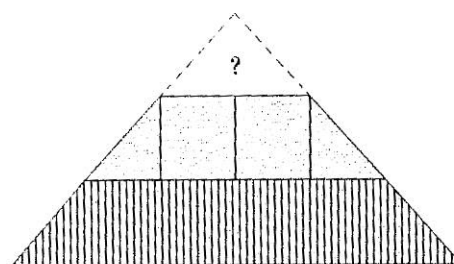
- آیا این اثر یک دنیای تازه می‌سازد که شما بتوانید وارد آن بشوید و زندگی را به طریق عمیق‌تر و وسیع‌تری ببینید؟*

۱. مورتایمو، ج. آدلر، چگونه کتاب بخوانیم، ناشر: سیمون و شاسز، ۱۹۴۰، ص ۳۱۵.

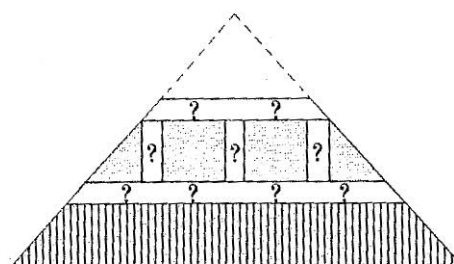
برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد رابطه بین سؤال کردن و موضوعات مختلف به پیوست کتاب تحت عنوان "کاربرد در موضوعات" رجوع کنید. برای کسب اطلاع از رابطه بین خواندن انتقادی و ادبیات به فصل بعد رجوع کنید. برای کسب اطلاعات در مورد سطوح مختلف سؤال کردن به فصل قبل "خواندن تجسسی" رجوع کنید.

۲. استنباط کردن: استنباط کردن، به همراه سؤال کردن، فنی است که از طریق آن می‌توان، براساس آنچه نویسنده بیان کرده است، به نتیجه‌گیریهای منطقی دست زد. با مورد نظر قرار دادن مسائل ماورای آنچه نویسنده مستقیماً بیان کرده و کشف مطالبی که به طور ضمنی به آنها اشاره شده است نظر وسیع‌تری برای انتقاد از مطالب کسب خواهید کرد.

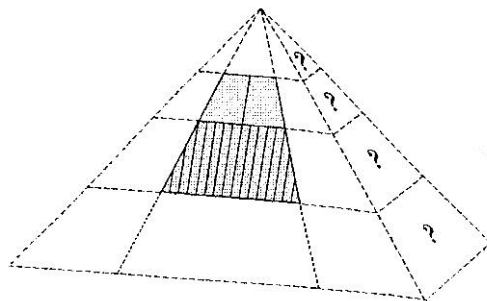
مؤلف یا نویسنده معمولاً به بیان اطلاعات جزئی و نکات اصلی می‌پردازد. ولی، معمولاً برعهده خواننده است که منظور اصلی یا اندیشه اساسی را استنباط کند. اندیشه اساسی نویسنده که اجزای مطلب را به هم ربط می‌دهد چیست؟



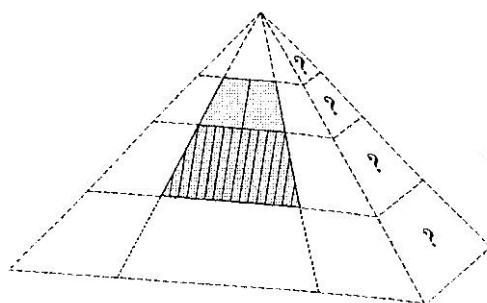
همچنین برعهده خواننده است که نحوه استدلال یا روابط بین نکات اصلی را خود استنباط کند. مثلاً اینکه چگونه تعدادی از اطلاعات جزئی یک نکته اصلی را توضیح می‌دهند؟ یا چطور یک نکته اصلی به نکته اصلی دیگر مربوط می‌شود؟



ضمناً به شکل به خصوصی یک فصل یا یک کتاب به دقت فکر کنید. چه اندیشه‌های اصلی سرسری رد شده‌اند؟ نتایج و عواقب این فرضها یا اندیشه‌ها کدام‌اند؟



اگر منظور مؤلف به صراحت بیان نشده است، می‌توانید استنباط کنید که چه عواملی باعث شده‌اند که او به نوشتن این مطلب پرداخته است؟ منظور او کدام یک از موارد زیر است؟



توصیف کردن؟

اطلاع دادن؟

سرگرم کردن؟

برانگیختن عواطف؟

انتقال احساسات؟

تبلیغ کردن؟

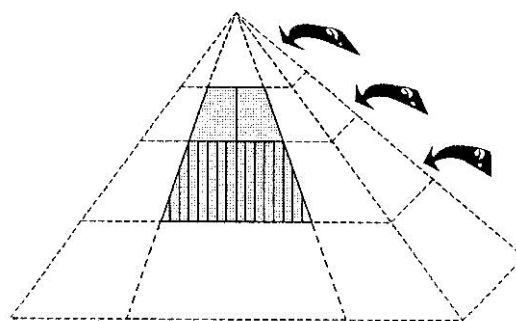
ترغیب کردن؟

انتقاد کردن؟

تفسیر کردن؟

تعلیم دادن؟

حتی اگر منظور نویسنده به وضوح کامل بیان شده است (معمولاً در مقدمه یا سایر نکات مربوط به معرفی کتاب) متوجه باشید که هنوز باید از قدرت استنباط خود استفاده کنید تا بتوانید به کشف مقاصد یا مطالب مهمی که مؤلف ممکن است از آن آگاه باشد یا نباشد نایل آید. برای نمونه، ما معمولاً فرض می‌کنیم که کتابهای درسی هدفشان این است که اطلاعاتی را در اختیار ما بگذارند، درحالی‌که مؤلف ممکن است خواسته باشد تا در ضمن دادن مقداری اطلاع یک نظریه خاص خود را نیز به ما القا کند.



۳. ربط دادن: فن ربط دادن متکی است بر سؤال کردن و استنباط کردن و هدف آن مقایسه کردن، مقابله کردن، و موازنه کردن مطالب از درون و بیرون است. به طور کلی این نوع ربط دادن را در سه سطح می‌توان مشخص کرد:

الف- بخش با بخش یا فصل با فصل در داخل یک کتاب: یعنی اینکه آیا یک مطلب به‌خصوص از یک بخش یا یک فصل به مطالب دیگر آن بخش یا فصل یا بخش یا فصل قبلی مربوط می‌شوند؟ آنها با هم شباهت دارند یا فرق دارند؟

ب- کتاب با کتاب یا کتاب با سایر مطالب نوشتنی: یعنی اینکه یک کتاب با کتابهای دیگر مربوط به همین مطلب، یا مقاله‌های روزنامه‌ها و مجلات، مربوط می‌شوند؟

پ- کتاب با تجربیات شخصی: یعنی اینکه کتاب با کتابهای دیگری که در این زمینه خوانده‌اید، سخنرانی‌هایی که شنیده‌اید، مکالماتی که با دوستان خود داشته‌اید، نمایشنامه‌هایی که دیده‌اید، و مسافرت‌هایی که کرده‌اید رابطه دارد؟ کاربردهای عملی گفته‌های مؤلف کدام‌اند؟

جستجو برای پیدا کردن وجه تشابه و اختلاف بین مطالب داخل یک کتاب و مطالب یک کتاب با سایر کتابها و مآخذ، امکان ارزشیابی و ملاکهای صحیح یک ارزشیابی درست را فراهم می‌سازد. در این صورت می‌توانید قضاوت خود را درباره کتاب با توجه به مآخذ دیگر، نه در خلأ، انجام دهید. در این صورت، شرایط بهتری برای شما جهت تصمیم‌گیری در اینکه مطالب کتاب مفید هستند یا نه فراهم خواهد آمد.

در حین ربط دادن مطالب با تجربیات شخصی، متوجه مجموعه ارزشها و عواطف چون تعصبات، پیش-داوریها، عقاید، امیدها، و ترسهای خود خواهید شد. اینها عواملی هستند که دید شما را نسبت به دنیا تحت تأثیر قرار می‌دهند.

این عوامل عاطفی می‌توانند کسب مهارت‌های خواندن انتقادی شما را، از طریق تأثیری که بر روی شناخت شما از حقیقت، زیبایی، و واقعیت می‌گذارند، سهل یا دشوار سازند. این عوامل عاطفی می‌توانند در سطح ادراکی اندیشه‌های شما را تحت تأثیر قرار دهند، تغییر بدهند، و تحریف کنند؛ آنها می‌توانند، به هنگام مطالعه، سبب انتخاب اندیشه‌هایی شوند که می‌خواهیم به یاد بیاوریم و اندیشه‌هایی که می‌خواهیم فراموش کنیم.

برای اینکه بتوان در خواندن انتقادی به یک قضاوت درست دست یافت، داشتن نوعی اعتقاد و درگیری عقلانی و عاطفی با مطالب لازم است. در عین حال، کنار گذاشتن تعصبا و آمادگی برای پذیرفتن مطالب تازه و تغییر دادن عقاید پیشین از ضرورت‌های روش خواندن انتقادی است.

۴. ارزشیابی: ارزشیابی فن داوری کردن درباره ارزش یا اهمیت چیزی است که خوانده‌اید. این داوری از طریق سؤالهایی که طرح کرده‌اید، استنباطهایی که داشته‌اید، و روابطی که ایجاد کرده‌اید انجام می‌گیرد. از نظر کلی یک ارزشیابی صحیح و جامع باید دربرگیرنده محتوا، سازمان، و سبک اثر باشد، و براساس ملاکهای درونی و بیرونی صورت پذیرد.

ملاکهای درونی را باید درون نوشته‌ها جستجو کرد.

محتوا: حقیقت کدام است و عقیده مؤلف چیست؟

آیا مؤلف فقط یک‌جانبه نظر می‌دهد یا به معرفی و بحث پیرامون نظرهای متفاوت و همچنین به مقایسه شباهتها و اختلافهای آنها می‌پردازد؟

سازمان: آیا مؤلف مطالب خود را با یک بیان کلی شروع کرده است و به تدریج به معرفی اطلاعات و موارد لازم و ربط منطقی

بین این مطالب و اثبات بیان کلی خود پرداخته است (استدلال قیاسی)؟

آیا وی با تعدادی از اطلاعات و وقایع یا نکات جزئی شروع کرده است و به تدریج به یک نتیجه کلی رسیده است

(استدلال استقرایی)؟

آیا وی به طور منطقی تر اصلی خود را با نکات اصلی، و بعد نکات اصلی را با اطلاعات جزئی پشت‌بندی کرده است؟ تا

چه حد این نکات اصلی و اطلاعات جزئی تر مؤلف را پشت‌بندی می‌کنند؟

سبک: نکات به کار رفته برای منظور نویسنده مناسب‌اند؟

انتقال از یک قسمت به قسمت دیگر روشن است؟

آیا سبک نوشته (شعری، داستانی، غزل، طعنه‌آمیز، تشریحی، و غیره) به روشن شدن مطلب کمک می‌کند یا به آن لطمه

می‌زند؟

سبک نوشته علاقه شما را به خود جلب می‌کند؟

ملاکهای بیرونی استانداردها یا اندازه‌هایی هستند که از مآخذ خارج از نوشته مورد ارزشیابی، چون نوشته‌های دیگر

یا تجربیات شخصی، استخراج می‌شوند.

محتوا: عقاید و اطلاعات مؤلف در مقایسه با آثار دیگر مؤلفان و کسان دیگر که شما می‌شناسید تا چه حد مقرون به صحت

است؟

در مقایسه با تجربیات و مشاهدات خود این عقاید و اطلاعات مؤلف چه قدر صحت دارند؟

شواهدی دارید که ثابت کنید مؤلف مطالب مربوط و ضروری را مورد استفاده قرار نداده است؟

آیا وی اطلاعاتی بیشتر از آنچه لازم بوده در اثر خود آورده است؟

سازمان: نحوه استدلال و سازمان دادن مطالب این مؤلف در مقایسه با آثار سایر مؤلفان در زمینه‌های مشابه چه وضعیتی دارد؟ آیا این

اثر در مقایسه با سایر آثار مستدل‌تر و سازمان‌یافته‌تر است، یا آنها بر این ارجحیت دارند؟

سبک: سبک این مؤلف نسبت به سبک سایر مؤلفان در زمینه‌های مشابه چه وضعیتی دارد؟

سبک این مؤلف برای این موضوع، برای مقصود مؤلف، و برای شما مناسب‌تر است یا سبک مؤلفان دیگری که می‌شناسید؟

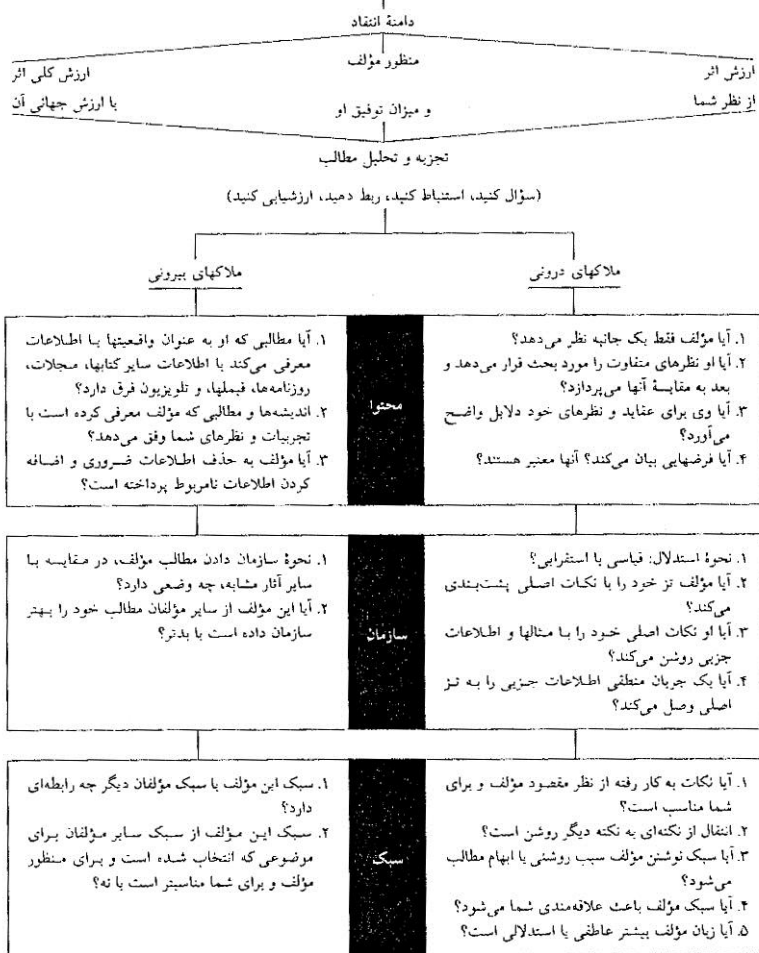
جدول ۱-۶ مراحل و فنون مربوط به خواندن انتقادی را نشان می‌دهد.

جدول ۱-۶: مراحل خواندن انتقادی

فهمیدن آنچه که مؤلف نوشته است

(به طور اجمالی بخوانید، عبارت‌خوانی کنید، دوباره بخوانید،

مطالب را سازمان دهید، حاشیه‌نویسی کنید، خلاصه برداری کنید)



فضاوت انتقادی

(ترکیبی از درک کلی مطالب، پرسش کردن در مورد مطالب، استنباط مطالب، ربط دادن، ارزشیابی کردن)

تمرینات

۱. قطعات زیر شامل مطالب متناقض، غیرمنطقی، و مبهم هستند. سعی کنید از طریق سؤال کردن، ربط دادن، و استنباط کردن به اشتباهات آنها دست یابید. بعد سؤالات و انتقادات خود را با آنچه که در نمونه زیر آنها آمده است مقایسه کنید.

برای متجاوز از یک قرن روزنامه‌هایی وجود داشته‌اند که برای خوانندگان خود اطلاعات کم و بیش کاملی در مورد اینکه مردم دنیا چه کار می‌کرده‌اند و حکومت‌های مختلف چگونه عمل می‌کرده‌اند فراهم می‌آوردند. در تمام تاریخ دنیا برای کسب اطلاع دقیق از اینکه چه اتفاقاتی در دنیا می‌افتد زمانی بهتر از حال حاضر وجود نداشته است.

سؤالات و انتقادهای نمونه

چه کسی اولین روزنامه را چاپ کرد؟ در کجا؟ منظور نویسنده از "کم و بیش کامل" چیست؟ چرا به طور مطلق کامل نه؟ چرا "حال حاضر" بهترین زمان است؟ کمکی که روزنامه‌ها در انجام یک قضاوت درست می‌کنند چیست؟ این قطعه کی نوشته شده است؟

روابط غیرروشنی بین "برای متجاوز از یک قرن" و "حال حاضر" وجود دارد. اگر منظور از "حال حاضر" سالهای دهه ۱۹۷۰ است، مطلب بالا کاهش تعداد روزنامه‌ها و افزایش مقدار و پیچیدگی اطلاعات را مورد غفلت قرار داده است. اینکه سالیان درازی از عمر روزنامه‌ها می‌گذرد دلیل کافی برای این نیست که باور کنیم اینک بهترین زمان برای کسب اطلاعات صحیح از طریق روزنامه‌هاست. همچنین بین "کم و بیش کامل" و "اطلاع دقیق" تناقض وجود دارد. اطلاع دقیق را نمی‌توان با اطلاعات کم و بیش کامل یکی دانست.

کتاب **فروش رئیس جمهور ۱۹۶۸**، اثر جو مک‌گی‌نیس یک اتهام بجا بر تأثیر وسایل ارتباط جمعی در مبارزات سیاسی نیست. مؤلف آشکارا پذیرفته است که او به نیکسون رأی نداده است، ولی در بحث پیرامون مورد استفاده از وسایل ارتباط جمعی در مبارزات انتخاباتی سال ۱۹۶۸ درباره مبارزات نیکسون صحبت می‌کند. بنابراین تعصب او اعتبار کتاب وی را مورد شک قرار می‌دهد.

سؤالات و انتقادهای نمونه

جو مک‌گی‌نیس چیست؟ چرا کتاب او یک "اتهام بجا" نیست؟ یک "اتهام

بجا" چیست؟ مؤلف چه وقتی پذیرفته که به نیکسون رأی نداده است؟

منظور او از وسایل ارتباط جمعی دقیقاً کدام وسیله ارتباط جمعی است؟

منظور از تعصب او کدام است؟ آیا نویسنده پاراگراف فوق به نیکسون رأی

داده است؟

منطقی نیست که فرض کنیم چون مؤلف کتاب به نیکسون رأی نداده است

این تصمیم او توانایی وی را برای انجام یک قضاوت عینی، در مورد اینکه

وسایل ارتباط جمعی مبارزات سیاسی و نامزدهای انتخاباتی را تحت تأثیر

قرار می‌دهند، مخدوش ساخته باشد.

۲. به هنگام مطالعه یا دوره کردن بخشی از یک کتاب، سعی کنید تا آنجاکه می‌توانید به ساختن تداعیها اقدام کنید. تداعیهای را که می‌سازید از طریق یادداشت کردن تعداد آنها معین کنید. تعداد تداعیهای را که به صورت سؤال هستند نیز یادداشت کنید. هدف این کار آن است که جریانی از سؤالات و روابط در ذهن شما ایجاد شود، تا هر چه بیشتر از روابط موجود بین مطالب آگاه شوید.

۳. درمورد یک مطلب به‌خصوص دو مقاله از دو منبع انتخاب کنید. این دو مقاله را از نظر شباهتها و اختلافهای مربوط به محتوا، سازمان، و سبک با هم مقایسه کنید. مطالب این دو مقاله با نظر خودتان راجع به موضوع مورد بحث چه نسبتی دارند؟

۴. قضاوت شما در مورد ارزش کتاب حاضر چگونه است؟

خلاصه

فن خواندن انتقادی مستلزم "خواندن سطور"، "خواندن بین سطور"، و "خواندن ماورای سطور" است. در نتیجه، خواننده از طریق سؤال کردن، استنباط کردن، ربط دادن، و ارزشیابی کردن به درک مطالب و قضاوت درباره ارزش مطالب می‌پردازد. اما،

...صبر کنید تا گرد مطالعه فرو نشیند؛ تا تضادها و سؤال کردنها از بین برود؛ قدم بزنید، صحبت کنید، گلبه‌های مرده یک گل را بچینید، یا بخوابید. بعد به ناگهان، بدون اینکه خواسته باشید، کتاب ظاهر خواهد شد. لکن این بار با شمایی متفاوت. این بار مطالب کتاب در ذهن ما به صورت یک کل شناور خواهد بود، و یک کتاب به صورت یک کل با همان کتاب که در جریان مطالعه به صورت عبارات مجزا تحصیل می‌شود فرق دارد. در این حال اجزای کتاب هر یک جای مناسب خود را پیدا کرده‌اند. ما شکل کتاب را از ابتدا تا انتها می‌بینیم. آن به صورت یک انبار یا یک خوددانی، یا یک کلیسا ظاهر می‌شود. اینک می‌توانیم کتاب را با کتابهای دیگر، چون ساختمانی را با ساختمانی دیگر مقایسه کنیم. لکن این عمل مقایسه کردن نشان می‌دهد که طرز فکر ما تغییر کرده است. دیگر دوست نویسنده نیستیم، بلکه قاضی او هستیم، و همان‌گونه که نمی‌توانیم مثل یک دوست نسبت به او احساس همدلی داشته باشیم، به عنوان یک قاضی نیز نمی‌توانیم نسبت به او با سختگیری عمل کنیم. آیا چون مجرمان نیستند کتابهایی که وقت و احساس ما را هدر می‌دهند؟ آیا دشمنان مودی جامعه، عاملان فساد، و تبهکاران نیستند نویسندگان کتابهای دروغ، کتابهای قلبی، کتابهایی که هوا را با فرسودگی و امراض فاسد می‌کنند؟ بنابراین، بگذارید تا در قضاوتمان سختگیری را اعمال کنیم، بیایید تا هر کتاب را با بهترین کتاب نوع آن مقایسه کنیم.*^۱

فایده خواندن انتقادی این است که خواننده به یک قضاوت مستدل و درک کامل از راه درگیری عمیق با مطالب نایل می‌آید. این کار می‌تواند خواننده را از طرز تفکر معمول و تنگی دید فارغ کند. این کار، همچنین، توانایی تشخیص و ارزش نهادن به زیبایی، نظم، و حقیقت، یا هر چه که تعالی را دربرمی‌گیرد، ایجاد می‌کند.



^۱ . *چگونه باید یک کتاب را خواند؟ از دومین خواننده معمولی اثر ویرجینیا وولف، ناشر: هارکورت، بریس، وورلد، ۱۹۳۲، تجدید چاپ به وسیله لئونارد وولف. نقل با کسب اجازه از ناشران.

